کسانی که الله تعالی
 آنان را دوست دارد

در پرتو قرآن و سنت

**نویسنده:**

**پژوهشگر قرآن و سنت**

**علی بن نایف شحود**

**مترجم:**

**پدرام اندایش**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | کسانی که الله تعالی آنان را دوست دارد در پرتو قرآن و سنت |
| **عنوان اصلی:** | الذين يحبهم الله تعالى |
| **نویسنده:** | علی بن نایف شحود |
| **مترجم:** | پدرام اندایش |
| **موضوع:** | اخلاق اسلامی - مواعظ و حکمت‌ها |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری |
| **منبع:**  |  |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc435086244)

[مقدمه‌ی مترجم 1](#_Toc435086245)

[مقدمه‌ی نویسنده 3](#_Toc435086246)

[باب اول: کسانی که الله آنان را دوست می‌دارد با استناد به قرآن 5](#_Toc435086247)

[محسنین را دوست می‌دارد 5](#_Toc435086248)

[بسیار توبه‌کنندگان و کسانی که طلب پاکی میکنند را دوست می‌دارد 5](#_Toc435086249)

[تبعیت از فرستادهی الله **ج** 6](#_Toc435086250)

[پرهیزکاران را دوست می‌دارد 7](#_Toc435086251)

[نیکو کاران را دوست می‌دارد 7](#_Toc435086252)

[صابران را دوست می‌دارد 12](#_Toc435086253)

[توکل کنندگان را دوست می‌دارد 12](#_Toc435086254)

[عادلان را دوست می‌دارد 13](#_Toc435086255)

[فروتن بودن در برابر مؤمنان و پرعزت بودن در برابر کافران 15](#_Toc435086256)

[پرهیزکاران را دوست می‌دارد 16](#_Toc435086257)

[کسانی که طلب پاکی میکنند را دوست می‌دارد 18](#_Toc435086258)

[کسانی را که صف کشیده در راهش جهاد میکنند را دوست می‌دارد 20](#_Toc435086259)

[باب دوم: کسانی که الله تعالی آنان را دوست دارد، برگرفته از سنت پیامبر **ج** 22](#_Toc435086260)

[علی**س** را الله و رسولش دوست دارند 22](#_Toc435086261)

[الله فلانی را دوست دارد 23](#_Toc435086262)

[الله مدارا نمودن در هر امری را دوست می‌دارد 23](#_Toc435086263)

[زاری بندهاش، بسویش را دوست می‌دارد 24](#_Toc435086264)

[گشاده رو را دوست دارد 26](#_Toc435086265)

[جوان توبه کننده را دوست دارد 26](#_Toc435086266)

[مؤمن کهنه پوش را دوست دارد 26](#_Toc435086267)

[عطسه را دوست می‌دارد 27](#_Toc435086268)

[دوست دارد که بین فرزندانتان عدالت برقرار کنید 27](#_Toc435086269)

[الله عمل کنندهای که عملش را نیکو گرداند، دوست دارد 28](#_Toc435086270)

[حمد کردن را دوست دارد 28](#_Toc435086271)

[مدح کردن را دوست می‌دارد 29](#_Toc435086272)

[وتر را دوست می‌دارد 30](#_Toc435086273)

[زیبایی را دوست می‌دارد 30](#_Toc435086274)

[بندهای را دوست دارد که پرهیزکار بوده و قناعت داشته باشد و خودنمایی نکند 31](#_Toc435086275)

[الله تعالی غیرت و بزرگمنشی را دوست می‌دارد 31](#_Toc435086276)

[حیاء و پوشش را دوست می‌دارد 32](#_Toc435086277)

[پوشش را دوست می‌دارد 32](#_Toc435086278)

[الله آسان‌گیری در تجارت را دوست می‌دارد 33](#_Toc435086279)

[هر قلب غمگینی را دوست می‌دارد 33](#_Toc435086280)

[امور با منزلت را دوست دارد 34](#_Toc435086281)

[بیصدا بودن [مردم] را در سه حالت دوست دارد 35](#_Toc435086282)

[شخص پیشهور را دوست می‌دارد 35](#_Toc435086283)

[شکر کنندگان را دوست می‌دارد 35](#_Toc435086284)

[عطر را دوست می‌دارد 36](#_Toc435086285)

[دوست می‌دارد اثر نعمت بخشیدن به بندهاش را ببیند 37](#_Toc435086286)

[نیکوکاران پرهیزکار و غیر خودنما را دوست می‌دارد 37](#_Toc435086287)

[بندهی مؤمنی که فقیر است ولی عفاف دارد را دوست می‌دارد 38](#_Toc435086288)

[دوست می‌دارد اگر عملی انجام شد، به کمال برسد 38](#_Toc435086289)

[دادخواهان و غمگینان را دوست می‌دارد 39](#_Toc435086290)

[قربانی‌نمودن را دوست می‌دارد 39](#_Toc435086291)

[احسان را دوست دارد 39](#_Toc435086292)

[سه چیز را دوست دارد و نسبت به سه چیز بغض دارد 40](#_Toc435086293)

[چهار صحابیِ من را دوست دارد 42](#_Toc435086294)

[عفو نمودن را دوست دارد 43](#_Toc435086295)

[کرامت را دوست دارد 43](#_Toc435086296)

[با حیاء و با عفاف و بردبار را دوست می‌دارد 44](#_Toc435086297)

[الله دوست دارد به چیزهایی که او اجازه داده‌است، عمل شود 44](#_Toc435086298)

[بخشنده است و بخشنده را دوست می‌دارد 45](#_Toc435086299)

[الله بندهی مؤمن و آزمایش شده را دوست می‌دارد 46](#_Toc435086300)

[الله کسی را که با انجام واجبات و نوافل سعی میکند به وی نزدیک شود را دوست می‌دارد 46](#_Toc435086301)

[باب سوم: کسانی که الله تعالی آنان را دوست نمی‌دارد، برگرفته از کتاب الله 49](#_Toc435086302)

[متجاوزان از حد را دوست نمی‌دارد 49](#_Toc435086303)

[فساد را دوست نمی‌دارد 51](#_Toc435086304)

[تمامی افرادی که بسیار کافر و بسیار گناه کار هستند را دوست نمی‌دارد 51](#_Toc435086305)

[کافران را دوست نمی‌دارد 52](#_Toc435086306)

[ستمکاران را دوست نمی‌دارد 52](#_Toc435086307)

[کسی‌که فخر فروش بوده و پر ادعا باشد را دوست نمی‌دارد 54](#_Toc435086308)

[خیانتکاران بسیار گناهکار را دوست نمی‌دارد 55](#_Toc435086309)

[الله آشکارا بدگویی کردن را دوست نمی‌دارد 56](#_Toc435086310)

[فسادکنندگان را دوست نمی‌دارد 56](#_Toc435086311)

[اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد 58](#_Toc435086312)

[خیانت کاران را دوست نمی‌دارد 59](#_Toc435086313)

[مستکبران را دوست نمی‌دارد 60](#_Toc435086314)

مقدمه‌ی مترجم

شکر و ستایش مخصوص الله پروردگار جهانیان است او را حمد گفته و از او کمک می­جوییم و طلب آمرزش می­نماییم، از شرهای درونی و اثرات سوء گناهانمان به الله پناه می­بریم، کسی را که الله هدایت فرماید، گمراه کننده‌ای نخواهد داشت و کسی را که او گمراه کند، هدایت کننده­ای نخواهد داشت، شهادت می­دهم که معبود بر حقی جز الله وجود نداشته و یکتا و بی‌شریک است و شهادت می­دهم که محمد ج بنده و فرستاده­ی وی می­باشد. اما بعد:

چند روزی را برای امتحان شدن در این دنیای فانی می­گذارنیم، عده­ای سربلند و پیروز می­شوند و عده­ای زیانکار و اهل آتش جهنم و چه بسا که بعضی از آن‌ها در آن جاودان می­شوند، کتابی را که پیش رو داریم، مطالبی است از سخنان الله و فرستاده­اش محمد ج تا بدانیم که چه عملی انجام دهیم تا الله ما را دوست داشته باشد و بر ما غضب ننماید، از الله متعال طلب می­کنم که آن را از اثار مثبت پرونده­ی اعمال ما قرار دهد و وسیله­ای نماید تا توسط آن از غضب و عذاب الله در امان بمانیم.

مقدمه‌ی نویسنده

شکر و ستایش مخصوص الله است که پروردگار جهانیان می­باشد و درود و سلامت بر سرور پیامبران و فرستادگان الله و بر آل و همگی اصحابش و هرکس که تا روز قیامت از آنان تبعیت می­کند.

أما بعد:

الله تعالی در قرآن، صفات کسانی را یاد می­کند که آن‌ها را دوست دارد و همچنین صفات کسانی را یاد می­کند که آن‌ها را دوست ندارد، همان‌گونه که می­فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٥٤﴾ [المائدة: 54]. ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده­اید، هر کدام از شما که به شدت از دینش برگردد، الله قومی را می­آورد که آن‌ها را دوست داشته و آنان او را دوست می­دارند، در مقابل مؤمنان خاشع بوده و در برابر کافران پر عزت، در راه الله جهاد می­کنند و از سرزنشِ سرزنش‌کننده­ای نمی­ترسند، این فضل الله است که به هرکس بخواهد، آن را عطا می­کند و الله گستراننده و بسیار دانا است».

در این کتاب با استناد به قرآن و سنت، صفات کسانی را که الله دوست می‌دارد، بیان می­شود، تا به آن اقتدا نماییم و از مسائلی که لازم به پیروی است از آن‌ها تبعیت کنیم.

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِۗ وَلَوۡ يَرَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ إِذۡ يَرَوۡنَ ٱلۡعَذَابَ أَنَّ ٱلۡقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعٗا وَأَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلۡعَذَابِ ١٦٥﴾ [البقرة: 165]. ترجمه: «از انسآن‌ها کسانی هستند که به غیر از الله شریکانی برمی­گزینند، آنان را مانند دوست داشتن الله، دوست دارند و[لی] کسانی که ایمان آورده­اند، در دوست داشتنِ الله شدیدترین هستند، وقتی که افرادی که ظالم هستند، عذاب را می­بینند، [می‌فهمند:] تمامی توانایی­ها برای الله بوده و الله دارای عذابی شدید می­باشد».

به همین ترتیب، صفات کسانی با استناد به قرآن و سنت، ذکر می­شود که الله تعالی آنان را دوست نداشته و آنان را از آن صفات بر حذر داشته و امر می­فرماید تا از آن صفات، مردم دور شوند.

الله تعالی متجاوزان از حق و حقوق را دوست نداشته و فساد را نیز دوست نمی‌دارد و کافران را دوست نداشته و ظالمین را نیز دوست نمی‌دارد....

در این کتاب شرحی بر آیات قرآن متصل آورده شده و احادیث نبوی از منبع آن تخریج شده و حکم سند آنان بیان شده است، از الله تعالی می‌خواهم که با این کتاب به جمع‌آوری کننده و خواننده و ناشر آن در دنیا و آخرت منفعت برساند.

پژوهشگر قرآن و سنت:

علی بن نايف الشحود

18 ذو القعدة 1428 هـ ق، موافق 27 /11/2007 م

باب اول:
کسانی که الله آنان را دوست می‌دارد با استناد به قرآن

محسنین را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَأَنفِقُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ وَأَحۡسِنُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٩٥﴾ [البقرة: 195-196]. ترجمه: «و در راه الله انفاق کنید و خود را به دست خود به هلاکت نیاندازید و نیکوکاری کنید که الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

ای مؤمنان! برای یاری دادن دین الله و جهاد در راهش، در انفاق خود استمرار داشته باشید و با ترک جهاد در راه الله و انفاق در آن، خودتان را در هلاکت نیاندازید و در انفاق کردن و اطاعت از الله، راه نیک را برگزینید و اعمال دینی خود را برای الله تعالی خالص گردانید و الله اهل اخلاص و نیکوکاری را دوست می‌دارد.

بسیار توبه‌کنندگان و کسانی که طلب پاکی می­کنند را دوست می‌دارد

الله تعالی می­فرماید: ﴿وَيَسۡ‍َٔلُونَكَ عَنِ ٱلۡمَحِيضِۖ قُلۡ هُوَ أَذٗى فَٱعۡتَزِلُواْ ٱلنِّسَآءَ فِي ٱلۡمَحِيضِ وَلَا تَقۡرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطۡهُرۡنَۖ فَإِذَا تَطَهَّرۡنَ فَأۡتُوهُنَّ مِنۡ حَيۡثُ أَمَرَكُمُ ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلتَّوَّٰبِينَ وَيُحِبُّ ٱلۡمُتَطَهِّرِينَ ٢٢٢﴾ [البقرة: 222]. ترجمه: «از تو درباره­ی حیض می­پرسند، بگو: آن آزار است و در هنگام حیض از زنان دوری کنید و به آن‌ها نزدیک نشوید تا پاک شوند و وقتی پاک شدند از آن راهی به آن‌ها وارد شوید که الله به شما امر فرموده است، الله بسیار توبه کنندگان و کسانی که طلب پاکی می­کنند را دوست می‌دارد».

از تو درباره­ی حیض می­پرسند -آن خونی است که از رحم­های زنان بطور طبیعی در اوقات مخصوصی خارج می­شود- ای پیامبر! به آن‌ها بگو: آن آزار و پلیدی است و به کسی که به آن نزدیک شود، ضرر می­رساند، در وقت حیض از جماع کردن با آن‌ها اجتناب نمایید تا این که خونریزی قطع شود و وقتی خونریزی قطع شد، آن زنان غسل نمایند و با آن‌ها از راهی که الله آن را حلال دانسته است، نزدیکی کنید و آن قُبُل است و دُبُر نمی­باشد. الله بندگانی را که زیاد توبه می­کنند و زیاد طلب آمرزش می­نماید، دوست دار، الله بندگانی را نیز که سعی در پاک شدن، [چه از نظر قلبی و درونی و چه از نظر ظاهر] را دارند، دوست می‌دارد، کسانی که از زشت­کاری­ها و پلیدی­ها دوری می­کنند.

تبعیت از فرستاده­ی الله **ج**

الله تعالی می­فرماید: ﴿قُلۡ إِن كُنتُمۡ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِي يُحۡبِبۡكُمُ ٱللَّهُ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ٣١﴾ [آل عمران: 31]. ترجمه: «بگو: اگر الله را دوست دارید از من تبعیت کنید، [که در نتیجه­ی آن] الله شما را دوست داشته و گناهانتهان می­آمرزد و الله بسیار آمرزنده و دائماً رحمت کننده است».

ای رسول! بگو: اگر واقعاً الله را دوست دارید، از من تبعیت کنید و به من به طور ظاهری و باطنی ایمان بیاورید! [در نتیجه­ی آن] الله شما را دوست داشته و گناهانتان را محو می­فرماید، الله گناهانی که بندگانش انجام می‌دهند را می­آمرزد و نسبت به آن‌ها مهربان است. این آیه­ی کریمه دلالت می­کند بر اینکه، کسی که ادعا می­کند الله تعالی را دوست می‌دارد و در عین حال از پیام­آورش محمد ج آنچنان که حق تبعیت است، تبعیت نمی‌کند و در امر و نهی­اش مطیع او نمی­باشد، آن شخص دروغگویی بیش نبوده تا زمانی که از فرستاده­اش ج آن چنان که حق تبعیت است تبعیت نماید.

پرهیزکاران را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَوۡفَىٰ بِعَهۡدِهِۦ وَٱتَّقَىٰ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٧٦﴾ [آل عمران: 76]. ترجمه: «بله، کسی که به عهدش وفا کند و پرهیزکاری نماید، الله پرهیزکاران را دوست می‌دارد».

امر آن گونه نیست که آن دروغگویان آنچنان می­پندارند، پرهیزکار واقعی کسی است که به آنچه الله با او پیمان بسته است، وفا نماید که شامل: امانت داری و ایمان به الله و به فرستادگانش و التزام داشتن به هدایت و شرع وی و ترسیدن از اللهﻷ تا جایی که این ترس باعث شود تا به اوامرش عمل نموده و از نواهی­اش دوری نماید و الله پرهیزکاران را دوست می‌دارد، کسانی که از شرک و گناهان پرهیز می­کنند.

نیکو کاران را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَسَارِعُوٓاْ إِلَىٰ مَغۡفِرَةٖ مِّن رَّبِّكُمۡ وَجَنَّةٍ عَرۡضُهَا ٱلسَّمَٰوَٰتُ وَٱلۡأَرۡضُ أُعِدَّتۡ لِلۡمُتَّقِينَ ١٣٣ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِي ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ وَٱلۡعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣٤ وَٱلَّذِينَ إِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةً أَوۡ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ ذَكَرُواْ ٱللَّهَ فَٱسۡتَغۡفَرُواْ لِذُنُوبِهِمۡ وَمَن يَغۡفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلَّا ٱللَّهُ وَلَمۡ يُصِرُّواْ عَلَىٰ مَا فَعَلُواْ وَهُمۡ يَعۡلَمُونَ ١٣٥ أُوْلَٰٓئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغۡفِرَةٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَجَنَّٰتٞ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ وَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ١٣٦﴾ [آل عمران: 133-136]. ترجمه: «بشتابید بسوی آمرزش از طرف پروردگارتان و بهشتی که عرض آن به وسعت آسمآن‌ها و زمین است [و] برای پرهیزکاران مهیا شده است \* کسانی که در حال ثروتمندی و تنگدستی اموال‌شان را انفاق نموده و خشم خود را فرو می­برند و [مردم را از ظلمی که به آن‌ها نموده­اند] عفو می­نمایند و الله نیکو کاران را دوست می‌دارد \* و کسانی که وقتی عمل زشتی را انجام می­دهند یا به خودشان ظلم می­کنند، الله را یاد کرده و برای گناهشان طلب آمرزش می­نمایند و چه کسی به جز الله است که گناهان را می­آمرزد؟ و در آنچه [از گناهان که] انجام داده­اند، در حالی که [زشتی و قباحت گناه را ] می­دانند بر آن [گناه] اصرار نمی­کنند».

بشتابید بسوی اطاعت کردن از الله و فرستاده­اش ج، تا غنیمتی بدست آورید که آمرزشی بزرگ و بهشتی وسیع را در بر دارد و عرض آن به اندازه­ی آسمآن‌ها و زمین است و الله آنان را به پرهیزکاران وعده داده‌است.

کسانی که اموال‌شان را در سختی و آسانی انفاق می­کنند و هر وقت خشمگین می‌شوند، خشم خود را با صبر کردن، فرو می­برند و اگر مورد ظلم واقع شوند، کسی که به آن‌ها ظلم نموده است را عفو می­نمایند و این احسانی است که الله اهل آن را دوست می‌دارد.

کسانی که وقتی مرتکب گناه بزرگی می­شوند و یا به خودشان ظلم می‌کنند، پاداش و عذاب الله را یاد کرده و بسوی پروردگارشان، توبه کننده باز می­گردند، از او می­خواهند تا گناهان‌شان را بیامرزد و آنان یقین دارند که کسی غیر از الله، گناهان را نمی­آمرزد و به همین دلیل آن‌ها در انجام گناهان پافشاری ننموده و آن‌ها می­دانند که اگر توبه کنند الله آنان را می‌بخشد.

آنان کسانی هستند که به این صفت­های بزرگ وصف شده­اند و پاداش آن‌ها این است که الله گناهان آنان را می­پوشاند و برای آن‌ها باغ‌هایی خواهد بود که از زیر درخت‌ها و قصرهایش، رودهای گوارا جاری هستند. در آن جاوادنه بوده و از آن هرگز اخراج نمی‌گردند. چه نیکوست، پاداش عمل کنندگان، که همان آمرزش و بهشت است.

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٤٦ وَمَا كَانَ قَوۡلَهُمۡ إِلَّآ أَن قَالُواْ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤٧ فَ‍َٔاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ ثَوَابَ ٱلدُّنۡيَا وَحُسۡنَ ثَوَابِ ٱلۡأٓخِرَةِۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٤٨﴾ [آل عمران: 146-148]. ترجمه: «و چه بسیار پیامبرانی بوده­اند که مردان خدایی زیادی همراه آنان جهاد نموده­اند و به سبب چیزی که از طرف الله به آنان می­رسید، سست و ناتوان نمی‌شدند و خوار نمی­گشتند و الله صابران را دوست می‌دارد \* و سخن آنان چیزی نبود مگر این که: پروردگار ما! گناهانمان و اسراف ما در امورمان را بیامرز و گام‌های ما را استوار و محکم گردان و ما را بر قوم کافران پیروز گردان \* الله پاداش دنیا و نیکویی پاداش آخرت را به آن‌ها بخشید و الله نیکو کاران را دوست می‌دارد».

همراه بیشتر پیامبران گذشته، یاران زیادی بودند که همراه پیامبران‌شان جهاد می­نمودند و در مقابل زخمی شدن و کشته شدن از خود ضعف نشان نمی­دادند، زیرا در راه پروردگارشان جهاد می­نمودند و ناتوان نگشته و در مقابل دشمنان‌شان سر تعظیم فرو نیاوردند و فقط بر آنچه به آن‌ها می‌رسید، صبور بودند و الله صابران را دوست می‌دارد.

سخن آن صابران چیزی نبود مگر آن که بگویند: پروردگار ما! گناهان ما و آنچه در امور دینمان در آن اسراف می­ورزیم، را بیامرز و گام‌های ما را محکم گردان تا از جهاد با دشمنمان روی بر نگردانده و ما را بر کسی که وحدانیت تو و نبوت پیام­آوردندگانت را مورد سوال قرار می­دهند، پیروز گردان.

الله تعالی به آن صابران در دنیا اجری می­دهد که همان پیروزی بر دشمنان‌شان و منزلت یافتن در سرزمینشان است و در آخرت پاداشی نیکو و بزرگ می­دهد که همان بهشت پر نعمت است. الله هرکس که در عبادتش احسان را برگزیند و با مخلوقاتش حُسن برخورد داشته باشد را، دوست می‌دارد.

الله تعالى می­فرماید: ﴿فَبِمَا نَقۡضِهِم مِّيثَٰقَهُمۡ لَعَنَّٰهُمۡ وَجَعَلۡنَا قُلُوبَهُمۡ قَٰسِيَةٗۖ يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَنَسُواْ حَظّٗا مِّمَّا ذُكِّرُواْ بِهِۦۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٖ مِّنۡهُمۡ إِلَّا قَلِيلٗا مِّنۡهُمۡۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱصۡفَحۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ١٣﴾ [المائدة: 13]. ترجمه: «به واسطه­ی پیمان شکنی آن‌ها، لعنتشان نمودیم و قلب‌هایشان را سخت گرداندیم، سخن را از جایگاهش تحریف می­کنند و بعضی از آنچه به آن‌ها تذکر داده شد را فراموش کردند، تو همواره از آنان خیانتی را می­بینی، مگر عده­ی کمی از آن‌ها، پس آنان را مورد عفو قرار بده و [از ظلم آنان] چشم‌پوشی کن! الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

الله به سبب آن که آن یهودیان پیمان موکدی را نقض کردند، آنان را از رحمت خود طرد فرمود و قلب‌هایشان را سخت گرداند و آن را برای ایمان آوردن مهیا نساخت، کلامی را که بر موسی÷ نازل فرموده بود که همان تورات است، تغییر داده و آنچه از تذکر به آن، نصیب آن‌ها شده بود را ترک گفتند و به آن عمل ننمودند. فرستاده­ی الله دائماً از آنان خیانت و نامردی می­دید و آن یهودیان بر منهج گذشتگانشان بودند، مگر عده­ی کمی از آن‌ها. اللهﻷ به وی ج امر فرمود تا بدرفتاری آنان را عفو کند و از آنان درگذرد، الله کسانی را که از روی نیکوکاری عفو می­کنند و از بدیهایی که به آن‌ها شده است در می‌گذرند را دوست می‌دارد. این چنین است احوال کسانی که به خاطر مقاصد پلیدشان راه [راست] را کج کرده و اقدام به تحریف کلام الله نموده و آن را در غیر راه حق تفسیر می­کنند، اگر از تحریف و تاویل نابجا ناتوان گردند، به خاطر تبعیت از هوای نفس آنچه را که الله شریعت خود قرار داده است ترک می­کنند، شریعتی که مگر عده­ی کمی که الله آنان را حفظ نموده است، در آن استوار نمی­گردند.

الله تعالى می­فرماید: ﴿لَيۡسَ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ جُنَاحٞ فِيمَا طَعِمُوٓاْ إِذَا مَا ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّءَامَنُواْ ثُمَّ ٱتَّقَواْ وَّأَحۡسَنُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٩٣﴾ [المائدة: 93]. ترجمه: «بر کسانی که ایمان آورده­اند و عمل صالح انجام داده‌اند بر آن چیزی که نوشیده­اند، ایرادی وجود ندارد اگر پرهیزکاری کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند، سپس پرهیزکاری نموده و ایمان بیاورند و سپس پرهیزکاری نموده و کار نیک انجام دهند و الله نیکوکاران را دوست می‌دارد».

برای مؤمنانی که قبل از حرام شدن شراب آن را نوشیده­اند گناهی وجود ندارد، به شرط آن که آن را ترک کرده و از غضب الله پرهیزکاری نمایند و به الله ایمان بیاورند، همچنین اعمال صالح انجام دهند که دلالت دارد، بر ایمان آن‌ها و گرایش آن‌ها به رضامندی الله، سپس مراقبه­ی خود به اللهﻷ و ایمان به وی را توسط آن زیاد می­کنند، تا جایی که از روی یقین او را به شکلی عبادت می­کنند که گویی او را می­بینند و الله کسانی را که به درجه‌ی احسان[[1]](#footnote-1) می­رسند، دوست می‌دارد، تا جایی که ایمان آن‌ها به عالم غیب طوری باشد که گویی آن را مشاهده می­کنند.

صابران را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٤٦﴾ [آل عمران: 146]. (ترجمه­ی آن پیشتر آمد).

همراه بیشتر پیامبران گذشته، یاران زیادی بودند که همراه پیامبران‌شان جهاد می­نمودند و در مقابل زخمی شدن و کشته شدن از خود ضعف نشان نمی­دادند، زیرا در راه پروردگارشان جهاد می­نمودند و ناتوان نگشته و در مقابل دشمنان‌شان سر تعظیم فرو نیاوردند و فقط بر آنچه به آن‌ها می‌رسید، صبور بودند و الله صابران را دوست می‌دارد.

توکل کنندگان را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿فَبِمَا رَحۡمَةٖ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمۡۖ وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِۖ فَإِذَا عَزَمۡتَ فَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَوَكِّلِينَ ١٥٩﴾ [آل عمران: 159]. ترجمه: «به واسطه­ی رحمتی از الله، بر آنان نرمخو شدی و اگر درشتخو و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می­شدند، آنان را عفو کن! و برای آن‌ها طلب آمرزش نما! و در امور با آنان مشورت کن! [و اگر بعد از مشورت] تصمیم به کاری گرفتی بر الله توکل نما! الله توکل کنندگان را دوست می‌دارد».

ای پیامبر! بواسطه­ی رحمت الله بر تو و اصحابت و منتی که الله بر تو گذاشت، برای یارانت دلسوز و مهربان شدی و اگر تو بدرفتار و سنگدل بودی یارانت دور تو را ترک می­کردند، بعضی از آن‌ها را بواسطه کاری که در غزوه­ی أحد انجام دادند مواخذه نکن! بلکه برای آنان طلب آمرزش نما! و در اموری که احتیاج به مشورت دارد با آنان مشورت فرما! بعد از مشورت اگر تصمیم بر امری از امور را نمودی، شجاعانه بر الله توکل کن! و آن را انجام بده، و الله توکل کنندگان بر خودش را دوست می‌دارد.

عادلان را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ أَكَّٰلُونَ لِلسُّحۡتِۚ فَإِن جَآءُوكَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُمۡ أَوۡ أَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡۖ وَإِن تُعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ فَلَن يَضُرُّوكَ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَإِنۡ حَكَمۡتَ فَٱحۡكُم بَيۡنَهُم بِٱلۡقِسۡطِۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٤٢﴾ [المائدة: 42]. ترجمه: «همواره به دروغ گوش فرا داده و خوراکی حرام می­خورند، اگر نزد تو آمدند، بین آن‌ها داوری کن یا از آن‌ها روی بگردان! و اگر از آن‌ها روی بگردانی، کوچکترین ضرری به تو نمی­رسانند و اگر بین آن‌ها حکم نمودی، با عدالت حکم بفرما! الله عادلان را دوست دارد».

آن یهودیان شنیدن دروغ و خوردن حرام را با هم جمع نموده­اند و اگر نزد تو آمدند بین آن‌ها قضاوت کن! یا آنان را ترک کن! اگر بین آن‌ها قضاوت نکنی کوچک‌ترین ضرری نمی­توانند به تو برسانند و اگر بین آن‌ها قضاوت نمودی، با عدالت حکم صادر کن! الله عادلان را دوست دارند.

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَإِن طَآئِفَتَانِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱقۡتَتَلُواْ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَاۖ فَإِنۢ بَغَتۡ إِحۡدَىٰهُمَا عَلَى ٱلۡأُخۡرَىٰ فَقَٰتِلُواْ ٱلَّتِي تَبۡغِي حَتَّىٰ تَفِيٓءَ إِلَىٰٓ أَمۡرِ ٱللَّهِۚ فَإِن فَآءَتۡ فَأَصۡلِحُواْ بَيۡنَهُمَا بِٱلۡعَدۡلِ وَأَقۡسِطُوٓاْۖ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٩﴾ [الحجرات: 9]. ترجمه: «و هرگاه دو گروه از مؤمنان با یکدیگر وارد جنگ شدند، بین آن‌ها صلح بر قرار کنید، پس اگر یکی از آن‌ها بر دیگری تجاوز کرد با گروه متجاوز بجنگید تا [آن گروه] به حکم الله برگردد، هرگاه بازگشت درمیان آنان عادلانه صلح برقرار کنید و عادل باشید، الله عادلان را دوست می‌دارد».

ای مؤمنان! اگر دو گروه از اهل ایمان با یکدیگر وارد جنگ شدند بین آن‌ها صلح بر قرار کنید و آنان را دعوت دهید تا حکم خود را از کتاب الله و سنت فرستاده­اش ج استخراج کنند و به حکم آن دو راضی باشند، اگر یکی از آن دو گروه از حق تجاوز کرد و از اجابت [صلح] سرباز زد با آن‌ها بجنگید تا به حکم الله و فرستاده­اش برگردند و اگر برگشتند بین آن‌ها از روی انصاف صلح برقرار کنید و در حکمی که صادر می­کنید، عدالت را رعایت فرمایید، به طوری که در حکم صادر کردنتان از حکم الله و فرستاده­اش تجاوز ننمایید. الله حکم صادر کنندگان عادل را دوست می‌دارد، کسانی که بین مخلوقاتش به عدالت حکم می­کنند. در این آیه مودت دوستی به خاطر الله به شکل حقیقی آن بیان شده است، همان‌گونه که این مسأله مربوط به جلالِ الله سبحانه است.

الله تعالى می­فرماید: ﴿لَّا يَنۡهَىٰكُمُ ٱللَّهُ عَنِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَلَمۡ يُخۡرِجُوكُم مِّن دِيَٰرِكُمۡ أَن تَبَرُّوهُمۡ وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُقۡسِطِينَ ٨﴾ [الممتحنة: 8]. ترجمه: «الله شما را از کسانی که به خاطر دین با شما نجنگیده­اند و شما را از خانه­هایتان اخراج نکرده­اند، باز نمی‌دارد که به آن‌ها نیکی کنید و در حق آنان به عدالت رفتار کنید، الله عادلان را دوست می‌دارد».

ای مؤمنان! الله شما را از کسانی که به سبب دین با شما وارد جنگ نشده­اند و شما را از خانه­هایتان، بیرون نکرده­اند، باز نمی‌دارد تا آنان را از روی خیر، اکرام کنید و بین آن‌ها از روی نیکوکاری، عدالت بر قرار کنید و به آن‌ها نیکی کنید. الله کسانی که در سخنان و کارهایشان عدالت را رعایت می­کنند، دوست می‌دارد.

فروتن بودن در برابر مؤمنان و پرعزت بودن در برابر کافران

الله تعالى می­فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَن يَرۡتَدَّ مِنكُمۡ عَن دِينِهِۦ فَسَوۡفَ يَأۡتِي ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ يُحِبُّهُمۡ وَيُحِبُّونَهُۥٓ أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ يُجَٰهِدُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوۡمَةَ لَآئِمٖۚ ذَٰلِكَ فَضۡلُ ٱللَّهِ يُؤۡتِيهِ مَن يَشَآءُۚ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ٥٤﴾ [المائدة: 54]. (ترجمه پیش­تر آمد).

ای کسانی که الله و فرستاده­اش را تصدیق نمودید و به شریعت الله عمل نمودید، هر کدام از شما از دینش برگردد و آن را به یهودیت و یا مسیحیت یا مانند آن تبدیل نماید، ذره­ای به الله ضرر نمی­رساند، الله بجای آن‌ها قومی را می­آورد که بهتر از نفرات قبلی هستند، آن‌ها را دوست داشته و آنان نیز او را دوست می­دارند، نسبت به مؤمنان با محبت بوده و در برابر کافران شدت عمل به خرج می­دهند، با دشمنان الله جهاد کرده و درباره­ی الله از کسی نمی­ترسند. این نعمت‌هایی از فضل الله است که به هرکه بخواهد می‌دهد و الله وسعت دهنده­ی فضل است و بسیار داناست که کدام یک از بندگانش مستحق آن فضل‌ها می­باشند.

پرهیزکاران را دوست می‌دارد

الله تعالی می­فرماید:

﴿بَرَآءَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ١ فَسِيحُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱللَّهَ مُخۡزِي ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢ وَأَذَٰنٞ مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦٓ إِلَى ٱلنَّاسِ يَوۡمَ ٱلۡحَجِّ ٱلۡأَكۡبَرِ أَنَّ ٱللَّهَ بَرِيٓءٞ مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ وَرَسُولُهُۥۚ فَإِن تُبۡتُمۡ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَإِن تَوَلَّيۡتُمۡ فَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّكُمۡ غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِۗ وَبَشِّرِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ٣ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّم مِّنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ثُمَّ لَمۡ يَنقُصُوكُمۡ شَيۡ‍ٔٗا وَلَمۡ يُظَٰهِرُواْ عَلَيۡكُمۡ أَحَدٗا فَأَتِمُّوٓاْ إِلَيۡهِمۡ عَهۡدَهُمۡ إِلَىٰ مُدَّتِهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٤﴾ [التوبة: 1-4]. ترجمه: «این بیزاریِ الله و فرستاده­اش است از مشرکانی که شما با آنان پیمان بسته­اید \* چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما نمی­توانید الله را درمانده کنید و بدانید الله خوار کننده­ی کافران است \* این اعلامی است از طرف الله و فرستاده­اش به مردم در روز حج اکبر، که الله و رسولش از مشرکان بیزار هستند، اگر توبه کنید آن برایتان بهتر است و اگر روبگردانید، بدانید که شما نمی­توانید الله را ناتوان سازید و کافران را به عذابی دردناک مژده بده \* مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها پیمان بسته­اید و آن‌ها ذره­ای پیمان شکنی نکرده­اند و کسی را علیه شما یاری نداده­اند، پیمان آن‌ها را تا پایان زمانش حفظ کنید، الله پرهیزکاران را دوست می‌دارد».

این برائتی است از طرف الله و فرستاده­اش و اعلان این که عهدهایی که بین مسلمانان و مشرکان وجود دارد، منقضی است.

ای مشرکان! چهار ماه در زمین سیر کنید و هرجا که بروید از دست مؤمنان در امان خواهید ماند و بدانید از عذاب الهی در خلاص نخواهید شد و الله ذلیل کننده­ی کافران است و در دنیا بر آن‌ها مُهر ننگی زده و در آخرت آتش نصیبشان خواهد شد. این آیه در مورد کسانی است که عهد آن مطلقة و غیر مؤقتۀ است و برای کسی که عهدش قبل از چهار ماه به پایان می­رسد، تا پایان چهار ماه، پیمان وی باقی خواهد ماند و این حکم در مورد کسی از مشرکین نیز است که عهد خود را شکسته باشد.

در روز قربانی، الله و فرستاده­اش اعلام کرده و مردم را تنذیر می­کنند، که الله از مشرکان بیزار بوده و فرستاده­اش نیز به همین ترتیب. ای مشرکان اگر بسوی حق بازگردید و شرک خودتان را ترک کنید، برای شما بهتر است و اگر از قبول حق روی برگردانید و از داخل شدن به دین اسلام سر باز زنید، بدانید که از عذاب الله رهایی نخواهید داشت. ای رسول به آن کسانی که از اسلام روی بر می­تابند، بگو: از عذاب رنج آور الله در امان نخواهند ماند.

از بین آن مشرکانی که بیان شد، مشرکانی را جدا می­فرماید، آنان کسانی هستند که با شما تا زمان خاصی عهد و پیمان بسته­اند و هرگز در عهد و پیمانشان خیانت نورزیده­اند و هیچ یک از دشمنان شما را علیه شما یاری نکرده­اند، در نتیجه عهد و پیمان را با آن‌ها تا آن زمانی که قبلاً طی کرده‌اید، به پایان برسانید. الله پرهیزکاران را دوست می‌دارد کسانی که آنچه به آن امر شده­اند را انجام داده و از شرک و خیانت و هر چیزی که شامل گناه باشد، پرهیز می­کنند.

الله تعالى می­فرماید:

﴿كَيۡفَ يَكُونُ لِلۡمُشۡرِكِينَ عَهۡدٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ رَسُولِهِۦٓ إِلَّا ٱلَّذِينَ عَٰهَدتُّمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِۖ فَمَا ٱسۡتَقَٰمُواْ لَكُمۡ فَٱسۡتَقِيمُواْ لَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلۡمُتَّقِينَ ٧﴾ [التوبة: 7]. ترجمه: «چگونه برای مشرکان از طرف الله و فرستاده­اش عهد و پیمانی وجود داشته باشد؟ مگر کسانی که در مسجد الحرام با آنان پیمان بستید، تا هر وقت که [بر پیمانشان] با شما استوار هستند، شما [نیز بر پیمان] با آن‌ها استوار باشید، الله پرهیزکاران را دوست می‌دارد».

شایسته نیست که الله و فرستاده­اش با مشرکین عهد و پیمانی داشته باشند، مگر کسانی که در مسجد الحرام در صلح (حدیبیه) با آنان پیمان بستید، تا زمانی که بر عهد و پیمانشان ثابت قدم هستند، شما نیز مانند آنان رفتار کنید. الله پرهیزکاران را که به عهدشان عمل می­کنند را دوست می‌دارد.

کسانی که طلب پاکی می­کنند را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید ﴿وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مَسۡجِدٗا ضِرَارٗا وَكُفۡرٗا وَتَفۡرِيقَۢا بَيۡنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَإِرۡصَادٗا لِّمَنۡ حَارَبَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ مِن قَبۡلُۚ وَلَيَحۡلِفُنَّ إِنۡ أَرَدۡنَآ إِلَّا ٱلۡحُسۡنَىٰۖ وَٱللَّهُ يَشۡهَدُ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٠٧ لَا تَقُمۡ فِيهِ أَبَدٗاۚ لَّمَسۡجِدٌ أُسِّسَ عَلَى ٱلتَّقۡوَىٰ مِنۡ أَوَّلِ يَوۡمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِيهِۚ فِيهِ رِجَالٞ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْۚ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلۡمُطَّهِّرِينَ ١٠٨ أَفَمَنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ تَقۡوَىٰ مِنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٍ خَيۡرٌ أَم مَّنۡ أَسَّسَ بُنۡيَٰنَهُۥ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٖ فَٱنۡهَارَ بِهِۦ فِي نَارِ جَهَنَّمَۗ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ١٠٩ لَا يَزَالُ بُنۡيَٰنُهُمُ ٱلَّذِي بَنَوۡاْ رِيبَةٗ فِي قُلُوبِهِمۡ إِلَّآ أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمۡۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ١١٠﴾ [التوبة: 107-110]. ترجمه: «و کسانی که مسجدی ساختند تا با آن [به مسلمانان] ضرری برسانند و بین مؤمنان، کفر و تفرقه ایجاد نمایند و آن را کمین­گاهی مهیا سازند برای کسانی که پیشتر با الله و فرستاده­اش جنگیده بودند، و قسم خوردند که جز نیکی هدف دیگری ندارند، الله گواهی می­دهد که آن‌ها دروغگو هستند \* هرگز در آن نماز نخوان، مسجدی که از ابتدا از روی تقوا ساخته شده است سزاوارتر است تا در آن نماز بخوانی، در آن مردانی وجود دارند که دوست دارند پاکیزه گردند و الله کسانی که طلب پاکیزگی می­کنند را دوست می‌دارد \* آیا کسی که شالوده­ی [کار] خود را بر اساس پرهیزکاری از الله و [جلب] خوشنودی وی قرار داده است، بهتر می‌باشد یا کسی که اساس [کار] خود را بر لبه­ی پرتگاهی که مشرف به سقوط است بنا می­نهد و با آن در آتش می‌افتد؟ و الله قوم ستمکاران را هدایت نمی­فرماید \* بنیانی را که بنا نهاده­اند همیشه در دلهایشان، مایه­ی شک و تردید است، مگر آن که دلهایشان پاره پاره گردد و الله بسیار دانایِ پر حکمت است».

منافقان مسجدی بنا نهادند، تا توسط آن به مؤمنین ضرر برسانند و به الله کفر ورزیده و بین مؤمنین تفرقه بیاندازند، تا بعضی از آن‌ها در آن نماز خوانده و مسجد قباء را که در آن، مسلمانان نماز می­خواندند، را ترک کنند، مسلمانان درباره­ی آن اختلاف نظر پیدا کرده و به همان دلیل بین آن‌ها تفرقه ایجاد شد، در آن منتظر کسانی شدند که با الله و فرستاده‌اش جنگ داشتند و - او ابوعامر راهب فاسق بود- تا آن را مکانی سازند تا علیه مسلمانان دسیسه نمایند، آن منافقان قسم می­خوردند که برای بنای مسجد به غیر از نیت خیر و ایجاد دوستی بین مسلمانان و آسان شدن مسجد رفتن، برای ناتوانانی که از مسجد قباء دور بودند، هدف دیگری ندارند و الله گواهی می­دهد که آنان در قسم خوردنشان، دروغگو هستند. آن مسجد ویران شد و به آتش کشیده شد.

ای پیامبر! در چنین مسجدی هرگز نماز نخوان، مسجدی که از اول بر پایه­ی تقوا بنا شده است (مسجد قباء) سزاوارتر است تا در آن نماز بخوانی و در این مسجد مردانی هستند که دوست دارند، پاک شوند، با آب از نجاسات و آلودگی پاک شده و با پرهیزکاری و طلب آمرزش از گناهان و معاصی. الله کسانی که طلب پاکیزگی می­کنند را دوست می‌دارد. وقتی مسجد قباء از روز اول بر اساس تقوا بنا شد، پس مسجد النبی ج به طریق اولی نیز همین حکم را پیدا می­کند.

یکی نیستند ساختمانی که بر اساس تقوای الهی و اطاعت و جلب رضایتمندی وی ساخته شده است با ساختمانی که بنیانش بر لبه­ی پرتگاه و مستعد سقوط ساخته شده است، مسجد [دوم] برای ضرر رساندن و کفر پیشه نمودن و تفرقه افکنی بین مسلمانان ساخته شده بود و انتهای آن سقوط در آتش جهنم بود. الله افراد ظالم را هدایت نمی­کند، کسانی که از حد و حدود وی پا فراتر می­گذارند.

بنیان منافقانی که از روی شک و نفاقی که در قلب آنان جای گرفته بود، برای ضرر رساندن به مسجد قباء آن را بنا نهاده بودند، زوال پیدا نمی­کرد تا اینکه با مردن و یا کشته شدن قلب آن‌ها پاره پاره می­گشت یا این که با نهایت پشیمانی، پشیمان شده و بسوی پروردگارشان توبه نمایند و از او با تمام و کمال بترسند. الله برآنچه آن منافقان از شک در دل‌هایشان داشته و نیتی که برای بنای آن داشتند، آگاه است و در تدبیر امور آفریدگانش حکیم است.

کسانی را که صف کشیده در راهش جهاد می­کنند را دوست می‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا كَأَنَّهُم بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ ٤﴾ [الصف:4]. ترجمه: «الله کسانی را که صف بسته که گویی بنایی استوار هستند و در راه وی جهاد می­کنند را دوست می‌دارد».

الله کسانی را که در راهش صف کشیده جهاد می­کنند و به مانند یک بنای استوار می‌باشند که دشمن در آن نمی­تواند نفوذ کند را دوست می‌دارد. در این آیه فضیلت جهاد و مجاهدان بیان شده است، جهادی که بندگان مؤمن الله از روی محبت الله سبحانه آن را انجام می­دهند و آن وقتی است که روبروی دشمنان الله صف می­بندند و در راه وی جهاد می‌کنند.

باب دوم:
کسانی که الله تعالی آنان را دوست دارد، برگرفته از سنت پیامبر **ج**

علی**س** را الله و رسولش دوست دارند

از ابو حازم آمده است که سَهلس به او گفت که پیامبر ج روز خیبر فرمود: «لأُعْطِيَنَّ الرَّايَةَ غَدًا رَجُلاً يُفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ، يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ». «فردا پرچم را به کسی می­دهم که راه در مقابل وی باز شده، الله و فرستاده­اش را دوست دارد و الله و فرستاده­اش او را دوست دارند».

مردم شب نمودند و تمامی آن‌ها امید داشتند تا [پرچم] صبح به آن‌ها داده شود، پیامبر ج فرمود: «أَيْنَ عَلِىٌّ». «علی کجاست؟». گفته شد: از چشمانش گلایه دارد، [پیامبر ج] آب دهان خود را بر چشمان وی گذاشت و برایش دعا فرمود و او سالم شد به طوری که گویی هیچ ناراحتیی­ در قبل نداشت، [پرچم] را به او عطا نمود و فرمود: «أُقَاتِلُهُمْ حَتَّى يَكُونُوا مِثْلَنَا». «با آن‌ها جهاد می­کنیم تا زمانی که مثل ما شوند!». و فرمود: «انْفُذْ عَلَى رِسْلِكَ حَتَّى تَنْزِلَ بِسَاحَتِهِمْ، ثُمَّ ادْعُهُمْ إِلَى الإِسْلاَمِ، وَأَخْبِرْهُمْ بِمَا يَجِبُ عَلَيْهِمْ، فَوَاللَّهِ لأَنْ يَهْدِىَ اللَّهُ بِكَ رَجُلاً خَيْرٌ لَكَ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ»[[2]](#footnote-2). «به نرمی حرکت کن تا این که به میدان آن‌ها برسی! سپس آنان را بسوی اسلام دعوت بده و آنچه برایشان واجب شده است را به آنان برسان، قسم به الله اگر فردی از آنان را، الله توسط تو هدایت کند برایت از گله­های شتر قرمز[[3]](#footnote-3) بهتر است».

الله فلانی را دوست دارد

ابوهریرهس روایت می­کند که پیامبر ج فرمود: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ الْعَبْدَ نَادَى جِبْرِيلَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلاَنًا فَأَحْبِبْهُ. فَيُحِبُّهُ جِبْرِيلُ، فَيُنَادِى جِبْرِيلُ فِى أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلاَنًا فَأَحِبُّوهُ. فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِى الأَرْضِ»[[4]](#footnote-4). «وقتی الله، بنده‌ای را دوست داشته باشد، به جبرئیل ندا می­فرماید که الله فلانی را دوست دارد تو نیز وی را دوست داشته باش. در نتیجه جبرئیل او را دوست می‌دارد و جبرئیل در بین اهل آسمان ندا می­دهد که الله، فلانی را دوست دارد، پس او را دوست داشته باشید، در نتیجه اهل آسمان او را دوست می‌دارند، سپس به همین دلیل مقبول اهل زمین می­گردد».

الله مدارا نمودن در هر امری را دوست می‌دارد

عروة بن زیبر گفته است که عایشهل همسر پیامبر ج گفت: گروهی از یهودیان نزد رسول الله ج رسیدند و گفتند: «السَّامُ عَلَيْكُمْ». «مرگ بر تو». عایشهل گفت: آن را فهمیدم و گفتم: «وَعَلَيْكُمُ السَّامُ وَاللَّعْنَةُ». «و مرگ بر شما و لعنت [بر شما]». رسول الله ج فرمود: «مَهْلاً يَا عَائِشَةُ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرِّفْقَ فِى الأَمْرِ كُلِّهِ». «مهلت بده ای عایشه! الله مدارا کردن در تمامی امور را دوست می‌دارد». گفتم: ای رسول الله! نشنیدی آنا چه گفتند؟ رسول الله ج فرمود: «قَدْ قُلْتُ وَعَلَيْكُمْ»[[5]](#footnote-5). «[در جواب] گفتم: و بر شما».

عبدالله بن مغفّل گفته است که رسول الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَيُعْطِي عَلَيْهِ مَا لاَ يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ»[[6]](#footnote-6). «الله مدارا می­کند و مدار کردن را دوست می‌دارد و در ازای آن چیزی را می­دهد که در زمان درشتی نمودن، آن را نمی­دهد».

از ابی أُمامة آمده است که رسول الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَﻷ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَيَرْضَاهُ، وَيُعِينُ عَلَيْهِ مَا لا يُعِينُ عَلَى الْعُنْفِ»[[7]](#footnote-7). «اللهﻷ مدارا کردن را دوست داشته و از آن راضی می­شود و در ازای آن چیزی را می­رساند که در هنگام درشتی نمودن آن را نمی­رساند».

زاری بنده­اش، بسویش را دوست می‌دارد

 یحیی بن ابی کثیر گفته است: ابو عبیده بن عبدالله بن مسعود برایم نوشت: أما بعد، من به تو هدایتِ عبدالله بن مسعود در نماز، عمل و سخنش را بیان می­دارم و گفت: به رسول الله ج جوامع الکَلِم[[8]](#footnote-8) داده شد، به ما آموزش می­داد که وقتی در نماز می­نشینیم چه بگوییم: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلا اللَّهُ»، سپس آنچه را که می­خواهد بعد از آن طلب نماید و با کلماتی آسان و غیر طولانی در نشستن بسوی الله، برای رحمت و آمرزشش، رغبت پیدا نماید، می­فرمود:

«أُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَسْأَلَتُكُمُ اللَّهَ حِينَ يَقْعُدُ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلاةِ وَيَقْضِي التَّحِيَّةَ، أَنْ يَقُولَ بَعْدَ ذَلِكَ: سُبْحَانَكَ لا إِلَهَ غَيْرُكَ، اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي، إِنَّكَ تَغْفِرُ الذُّنُوبَ لِمَنْ تَشَاءُ، وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، يَا غَفَّارُ اغْفِرْ لِي، يَا تَوَّابُ تُبْ عَلَيَّ، يَا رَحْمَانُ ارْحَمْنِي، يَا عَفُوُّ اعْفُ عَنِّي، يَا رَءُوفُ ارْأُفْ بِي، يَا رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكَرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ، وَطَوِّقْنِي حُسْنَ عِبَادَتِكَ، يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ، يَا رَبِّ افْتَحْ لِي بِخَيْرٍ، وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ، وَآتِنِي شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ، وَلا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، وَقِنِي السَّيِّئَاتِ، وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ فَقَدْ رَحِمْتَهُ، وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، ثُمَّ مَا كَانَ مِنْ دُعَائِكُمْ فَلْيَكُنْ فِي تَضَرُّعٍ وَإِخْلاصٍ، فَإِنَّهُ يُحِبُّ تَضَرُّعَ عَبْدِهِ إِلَيْهِ»[[9]](#footnote-9). «دوست دارم که خواسته هر کدام از الله بعد از گفتن تحیه این باشد که: پاک و منزه هستی، هیچ عبادت شونده­ی بر حقی جز تو وجود ندارد، گناه مرا بیامرز! عمل مرا اصلاح بفرما! تو گناهان هرکه را بخواهی می­بخشی، تو بسیار آمرزنده و دائماً رحمت کننده می­باشی، ای بسیار آمرزنده مرا بیامرز! ای بسیار رحمت کننده مرا رحمت کن! ای عفو کننده مرا عفو بفرما! ای بسیار مهربان به من مهربانی کن! ای پروردگار به من توفیق بده تا شکر نعمتی را که به من داده­ای، بجا آورم، عبادت نیکت را برای من آسان بگردان، ای پروردگار! تمامی خیر را از تو می‌خواهم و از تمامی شر به تو پناه می­برم، ای پروردگار! با خیر و سلامت برای من گشایش ایجاد بفرما! خاتمه­ی [عمل] مرا خیر بفرما! شوق دیدنت را بدون بدبختی و زیان، به من عطا بفرما و آن را فتنه­ای گمراه کننده قرار مده! مرا از بدی­ها حفظ بفرما! تو رحمت کرده­ای کسی را که از بدی‌ها تقوا پیشه کند و آن پیروزیی بزرگ است، دعای شما همراه زاری و اخلاص باشد، بطور یقین [الله] زاری بدنه­اش را بسویش دوست می‌دارد».

گشاده رو را دوست دارد

 از ابوهریرهس آمده است که پیامبر ج فرمود: «إِنَّ اللهَ تَعَالى يُحبُّ السَّهلَ الطَّلقَ»[[10]](#footnote-10). «الله تعالی گشاده رو را دوست می‌دارد».

جوان توبه کننده را دوست دارد

از أنس بن مالكس آمده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللهَ تَعَالى يُحبُّ الشَّابَّ التَّائبَ»[[11]](#footnote-11). «الله تعالی جوان توبه کننده دوست دارد».

مؤمن کهنه پوش را دوست دارد

از ابوهریرهس آمده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللهَ تَعَالى يُحبُّ المُؤمنَ المُتبذِّلَ الذى لاَ يُبالِي مَا لَبسَ»[[12]](#footnote-12). «الله تعالی مؤمنی را که کهنه پوش است دوست دارد، کسی که زیاد به لباس‌هایش توجهی ندارد».

عطسه را دوست می‌دارد

ابوهریرهس آورده است که پیامبر ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَاسَ، وَيَكْرَهُ التَّثَاؤُبَ، فَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ، فَحَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ سَمِعَهُ أَنْ يُشَمِّتَهُ، وَأَمَّا التَّثَاوُبُ فَإِنَّمَا هُوَ مِنَ الشَّيْطَانِ، فَلْيَرُدَّهُ مَا اسْتَطَاعَ، فَإِذَا قَالَ هَا. ضَحِكَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ»[[13]](#footnote-13). «الله عطسه را دوست دارد و از خمیازه کراهت دارد، اگر کسی عطسه کرد و بعد از آن الله را حمد نمود، بر هر مسلمانی که آن را بشنود واجب است تا جواب او را بدهد، اما خمیازه و آن فقط از جانب شیطان است و هرکس توانست آن را رد کند، زیرا وقتی صدای دهانش در خمیازه می‌آید شیطان می­خندد».

دوست دارد که بین فرزندانتان عدالت برقرار کنید

نعمان می­گوید مادرش از پدرش بشیر خواست تا به او (نعمان) تعدادی درخت نخل بدهد و او این کار را انجام داد و گفت: چه کسی برای تو شهادت می­دهد و [مادرش] گفت: پیامبر ج. نزد پیامبر ج آمد و ماجرا را برای وی ذکر نمود و پیام­آور الله ج به او فرمود: «أَلَكَ وَلَدٌ غَيْرُهُ». «آیا به غیر از او فرزند دیگری داری؟». گفت: بله. پیامبر ج فرمود: «فَأَعْطَيْتَهُمْ كَمَا أَعْطَيْتَهُ». «هر چیزی که به او عطا کردی آیا به دیگر [فرزندانت] نیز عطا کردی؟». گفت: خیر. فرمود: «لَيْسَ مِثْلِي يَشْهَدُ عَلَى مِثْلِ هَذَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلاَدِكُمْ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَنْفُسِكُمْ»[[14]](#footnote-14). «هیچ کس به مانند من برای چنین چیزی گواهی نمی­دهد. الله تعالی دوست دارد که بین فرزندانتان عدالت بر قرار کنید، همان‌گونه که دوست دارد بین خودتان، عدالت برقرار کنید».

الله عمل کننده­ای که عملش را نیکو گرداند، دوست دارد

عاصم بن کلیب جرمی از پدرش روایت می­کند: او همراه پدرش بدنبال جنازه­ای رفتند و او پسر بچه­ای بود که عاقل بود و پیامبر ج آن را دید و پیامبر ج فرمود: «يُحِبُّ اللَّهُ لِلْعَامِلِ إِذَا عَمِلَ أَنْ يُحْسِنَ»[[15]](#footnote-15). «الله عمل کننده­ای که عملش را نیکو گرداند دوست می‌دارد».

حمد کردن[[16]](#footnote-16) را دوست دارد

از اسود بن سریع آمده است که گفت: گفتم ای فرستاده­ی الله! آیا حمدهایی را که با آن‌ها، پروردگارم تبارک و تعالی را حمد کرده­ام برایت بازگو کنم فرمود: «أَمَا إِنَّ رَبَّكَ ﻷ يُحِبُّ الْحَمْدَ»[[17]](#footnote-17). «همانا پروردگارتﻷ حمد کردن را دوست می‌دارد».

مدح کردن را دوست می‌دارد

از عبدالرحمن بن ابی­بکره آمده است که اسود بن سریع گفت: نزد فرستاده­ی الله ج رسیدم و گفتم: ای رسول الله! من پروردگارم تبارک و تعالی را حمد گفته و مدحش نمودم [و همچنین] تو را، رسول الله ج فرمود: «أَمَا إِنَّ رَبَّكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْمَدْحَ هَاتِ مَا امْتَدَحْتَ بِهِ رَبَّكَ». «پروردگارت تبارک و تعالی مدح کردن[ـش] را دوست می‌دارد، آنچه با آن پروردگارت را مدح نموده­ای بیان کن». گفت: شروع به بازگو کردن نمودم که مردی آمد که سری تاس و گندم‌گون بود، اجازه خواست. رسول الله ج از من خواست تا به خاطر وی ساکت شوم، ابن سلمه برای ما توصیف نمود چگونه از او خواست تا ساکت شود. گفت: همان گونه که با گربه رفتار می‌شود، سپس آن مرد آمد و مدت زمانی صحبت نمود و بعد از آن رفت، سپس دوباره شروع به بازگو نمودن کردم و بعد او برگشت و رسول الله ج از من خواست تا ساکت شوم -و آن را نیز توصیف نمود- گفتم: ای رسول الله! کسی که به خاطر او مرا ساکت می‌کردی که بود؟ فرمود: «هَذَا رَجُلٌ لاَ يُحِبُّ الْبَاطِلَ، هَذَا عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ»[[18]](#footnote-18). «این مردی است که باطل را دوست ندارد، او عمر بن خطاب است».

وتر[[19]](#footnote-19) را دوست می‌دارد

از ابوهریرهس روایتی آمده است که پیامبر ج فرمود: «لِلَّهِ تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ اسْمًا، مِائَةٌ إِلاَّ وَاحِدًا، لاَ يَحْفَظُهَا أَحَدٌ إِلاَّ دَخَلَ الْجَنَّةَ، وَهْوَ وَتْرٌ يُحِبُّ الْوَتْرَ»[[20]](#footnote-20). «الله نود و نه اسم دارد، در واقع صد اسم یکی کم‌تر، کسی آن‌ها را حفظ کند، داخل بهشت می­شود و او(الله) فرد است و فرد را دوست دارد».

علیس گفت: [نماز] وتر مانند [نمازهای] واجب، واجب نمی­باشد ولی فرستاده­ی الله ج آن را سنت قرار داده و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ وِتْرٌ يُحِبُّ الْوِتْرَ فَأَوْتِرُوا يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ»[[21]](#footnote-21). «الله وتر است و وتر را دوست می‌دارد پس ای اهل قرآن [نمازِ] وتر بجا بیاورید».

زیبایی را دوست می‌دارد

عبدالله بن مسعودس گفته است که پیامبر ج فرمود: «لاَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِى قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبْرٍ». «وارد بهشت نمی­شود کسی که ذره­ای تکبر داشته باشد». مردی گفت: فردی وجود دارد که دوست دارد لباسش و پاپوشش زیبا باشد [حکم آن چیست]. فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، الْكِبْرُ بَطَرُ الْحَقِّ وَغَمْطُ النَّاسِ»[[22]](#footnote-22). «الله زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد، تکبر آن است که حق را قبول نکنی و مردم را خوار بشماری».

بنده­ای را دوست دارد که پرهیزکار بوده و قناعت داشته باشد و خودنمایی نکند

عامر بن سعد گفت: سعد ابن ابی‌وقاصس بر روی شترش بود و پسرش عمر آمد وقتی سعدس او را دید گفت: از شرّ این سوارکار به الله پناه می­برم و پایین آمد، به او گفت: آیا از شترت پایین آمدی و گوسفندانت [را رها کردی] و مردم را در حالی که برای صاحب شدن چیزی با یکدیگر نزاع می‌کنند ترک کردی؟ سعدس بر سینه­ی او زد و گفت: ساکت شو! شنیدم که فرستاده­ی الله ج فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ التَّقِىَّ الْغَنِىَّ الْخَفِىَّ»[[23]](#footnote-23). «الله بنده­ای را که پرهیزکار بوده و قناعت نفس داشته باشد و خودنمایی نکند را دوست می‌دارد».

الله تعالی غیرت و بزرگمنشی را دوست می‌دارد

جابر بن عتیکس آورده است که پیام­آور الله ج می­فرمود: «مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ وَمِنْهَا مَا يُبْغِضُ اللَّهُ فَأَمَّا الَّتِى يُحِبُّهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِى الرِّيبَةِ وَأَمَّا الْغَيْرَةُ الَّتِى يُبْغِضُهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِى غَيْرِ رِيبَةٍ وَإِنَّ مِنَ الْخُيَلاَءِ مَا يُبْغِضُ اللَّهُ وَمِنْهَا مَا يُحِبُّ اللَّهُ فَأَمَّا الْخُيَلاَءُ الَّتِى يُحِبُّ اللَّهُ فَاخْتِيَالُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عِنْدَ الْقِتَالِ وَاخْتِيَالُهُ عِنْدَ الصَّدَقَةِ وَأَمَّا الَّتِى يُبْغِضُ اللَّهُ فَاخْتِيَالُهُ فِى الْبَغْىِ»[[24]](#footnote-24). «قسمتی از غیرت است که الله دوست داشته و قسمتی که از آن بدش می­آید، آن قسمتی که الله دوست دارد غیرت در مسائل نامشروع است و غیرتی که الله به آن بغض دارد، غیرت در مسائل مشروع است، در مورد بزرگ منشی قسمتی از آن را الله نسبت به آن بغض دارد و قسمتی از آن است که الله آن را دوست می‌دارد، بزرگ منشی مرد هنگام جهاد و بزرگ منشی وی هنگام صدقه، بزرگ منشیی است که الله آن را دوست دارد و آن قسمتی که الله نسبت به آن بغض دارد بزرگ منشی هنگام سرکشی است».

حیاء و پوشش را دوست می‌دارد

یعلی گفته است: رسول الله ج مردی را دید که در مکانی باز، بدون ازار، غسل می­کرد، از منبر بالا رفته و الله را حمد گفته و او را ستایش نمود، سپس فرمود: «إِنَّ اللَّهَﻷ حَيِىٌّ سِتِّيرٌ يُحِبُّ الْحَيَاءَ وَالسَّتْرَ فَإِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَتِرْ»[[25]](#footnote-25). «اللهﻷ با حیاء و پوشاننده است و حیاء و پوشش را دوست می‌دارد، اگر کسی از شما غسل نمود باید خودش را بپوشاند».

پوشش را دوست می‌دارد

از عکرمة آمده است که عده­ای از اهل عراق گفتند: ای ابن عباس: نظر تو درباره­ی این آیه که به آن امر شده­ایم تا آن را انجام دهیم و کسی به آن عمل نمی­کند چیست؟ اللهﻷ می­فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لِيَسۡتَ‍ٔۡذِنكُمُ ٱلَّذِينَ مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ وَٱلَّذِينَ لَمۡ يَبۡلُغُواْ ٱلۡحُلُمَ مِنكُمۡ ثَلَٰثَ مَرَّٰتٖۚ مِّن قَبۡلِ صَلَوٰةِ ٱلۡفَجۡرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ ٱلظَّهِيرَةِ وَمِنۢ بَعۡدِ صَلَوٰةِ ٱلۡعِشَآءِۚ ثَلَٰثُ عَوۡرَٰتٖ لَّكُمۡۚ لَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ وَلَا عَلَيۡهِمۡ جُنَاحُۢ بَعۡدَهُنَّۚ طَوَّٰفُونَ عَلَيۡكُم بَعۡضُكُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلۡأٓيَٰتِۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ٥٨﴾ [النور: 58]. ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده­اید، ملک یمینتان و کسانی که به سن بلوغ نرسیده­اند [برای داخل] شدن، سه بار از شما اجازه بگیرند، قبل از نماز صبح و هنگامی که در ظهر لباستان را بیرون می­آورید و بعد از نماز عشاء، [این] سه وقت برایتان [زمان] خلوت است، و به غیر از این اوقات بر شما و آنان اجباری نیست، [زیرا] آنان در اطراف شما در رفت و آمد هستند». -قرائت نمود تارسید به- ﴿عَلِيمٌ حَكِيمٞ﴾ ابن عباسب گفت: الله بسیار بردبار و دائماً رحمت کننده بوده و پوشش را دوست می‌دارد، این در حالی است که مردم برای خانه­های خود پوشش و پرده ندارند، و چه بسیار می­شود که خادم یا فرزند یا یتیمِ مرد و یا مردی بر اهلش وارد می­شود، از همین رو الله به آنان امر فرمود: تا در این سه زمان خلوت، [کسانی که در قبل ذکر شد] برای داخل شدن باید اجازه بگیرند و الله برای آن‌ها پوشش و خیر را برگزیده است، ولی احدی را ندیدم که به آن عمل کند[[26]](#footnote-26).

الله آسان‌گیری در تجارت را دوست می‌دارد

از ابی هریرهس آمده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ سَمْحَ الْبَيْعِ سَمْحَ الشِّرَاءِ سَمْحَ الْقَضَاءِ»[[27]](#footnote-27). «الله آسان‌گیری در فروختن، آسان‌گیری در خریدن و آسان‌گیری در قضاوت را دوست می‌دارد».

هر قلب غمگینی را دوست می‌دارد

ابی‌درداءس آورده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ»[[28]](#footnote-28). «الله هر قلب اندوهگینی را دوست می‌دارد».

امور با منزلت را دوست دارد

از حسین بن علیب آمده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الأُمُورِ وأَشْرَافَهَا، وَيَكْرَهُ سَفَاسِفَهَا»[[29]](#footnote-29). «الله امور با منزلت و بزرگوار را دوست می‌دارد و از آن [اموری] که استوار نیستند، کراهت دارد».

بی­صدا بودن [مردم] را در سه حالت دوست دارد

زید بن ارقمس از پیامبر ج روایت می­کند که فرمود: «إِنَّ اللَّهَﻷ يُحِبُّ الصّمْتَ عِنْدَ ثَلاثَ: عِنْدَ تِلاوَةِ الْقُرْآنِ وَعِنْدَ الزَّحْفِ وَعِنْدَ الْجِنَازَةِ»[[30]](#footnote-30). «اللهﻷ ساکت بودن در سه حالت را دوست می‌دارد: هنگام تلاوت قرآن و هنگام یورش بردن در جهاد و هنگام تشیع جنازه».

شخص پیشه­ور را دوست می‌دارد

از ابن عمرب آمده است که پیامبر ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ»[[31]](#footnote-31). «الله پیشه‌ور را دوست می‌دارد».

شکر کنندگان را دوست می‌دارد

 معاذ بن جبلس گفت: نزد فرستاده­ی الله ج رفتم و رسول الله ج ایستاده بود و نماز می­خواند، آنقدر ایستاد تا صبح شد، به سجده­ رفت، [آنقدر سجده­اش طول کشید] که پنداشتم، قبض روح شده است، به من نگاه کرد و فرمود: «يَا مُعَاذُ، رَأَيْتَ؟» «ای معاذ دیدی؟» گفتم: بله، دیدم که سجده­ای بُردی که پنداشتم قبض روح شده­ای، فرمود: «تَدْرِي لِمَ ذَاكَ». «می­دانی برای چه بود؟» گفتم: الله و فرستاده­اش آگاه‌ترند فرمود: «إِنِّي صَلَّيْتُ مَا كَتَبَ لِي رَبِّي، وأَتَانِي رَبِّي». «من نمازی را خواندم که آن را پروردگارم، برای من واجب گردانیده بود و پروردگار من آن را به من عطا فرموده بود»، [الله به من] فرمود: «يَا مُحَمَّدُ، مَا أَفْعَلُ بِأُمَّتِكَ». «ای محمد با امتت چه کار کنم؟». گفتم: «رَبِّي أَنْتَ أَعْلَمُ». «پروردگارم تو داناتر هستی». و آن [جمله] را سه یا چهار با تکرار نمود، و در آخر فرمود: «مَا أَفْعَلُ بِأُمَّتِكَ». «با امتت چه کار کنم؟»، گفتم: «أَنْتَ أَعْلَمُ يَا رَبِّ». «ای پروردگار تو عالم­تر هستی». فرمود: «إِنِّي لا أُحْزِنُكَ فِي أُمَّتِكَ». «تو را درباره­ی امتت غمگین نمی‌کنم»، «فَسَجَدَتُّ لِرَبِّي، وَرَبُّكَ شَاكِرٌ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ»[[32]](#footnote-32). «پس بر پروردگارم سجده[ی شکر] بردم و پروردگار تو شکرگذار است، و شکر کنندگان را دوست می‌دارد».

عطر را دوست می‌دارد

صالح بن ابی‌حسّان می­گوید: شنیدم سعید بن مسیب می­گفت: الله خوشبو است و خوشبویی را دوست می‌دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست می‌دارد، با کَرَم است و کرامت را دوست می‌دارد، بخشنده است و بخشندگی را دوست می‌دارد، نظافت کنید و زباله­ها را در اطراف خودتان به حال خود رها نکنید و به یهودیان تشابه پیدا نکنید. گفت: آن را برای مهاجر بن مسمار بازگو کردم و او گفت: این حدیث را از عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش از پیامبر ج شنیدم، مگر آن که وی فرمود: «نَظِّفُوا أَفْنِيَتَكُمْ»[[33]](#footnote-33). «اطراف خانه­ی خودتان را پاکیزه گردانید».

دوست می‌دارد اثر نعمت بخشیدن به بنده­اش را ببیند

از عمرو بن شعیب از پدرش از پدر بزرگش آمده است که فرستاده­ی اللهج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُرَى أَثَرُ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ»[[34]](#footnote-34). «الله دوست می‌دارد تا اثر نعمتش بر بنده­اش دیده شود».

از عمرو بن شعیب از پدرش از پدربزرگش آمده است که فرستاده­ی اللهج فرمود: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَتَصَدَّقُوا وَالْبَسُوا فِى غَيْرِ مَخِيلَةٍ وَلاَ سَرَفَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُرَى نِعْمَتُهُ عَلَى عَبْدِهِ»[[35]](#footnote-35). «بخورید و بنوشید و صدقه بدهید و بدون بزرگ منشی و اسراف لباس بپوشید! الله دوست دارد نعمتی که به بنده­اش بخشیده است، دیده شود».

نیکوکاران پرهیزکار و غیر خودنما را دوست می‌دارد

عمر بن خطابس روزی بسوی مسجد رسول الله ج رفت و معاذ بن جبل را یافت، بطوری که او در کنار قبر رسول الله ج نشسته بود و گریه می­نمود، [عمر] گفت: چه چیز تو را به گریه انداخته است؟ گفت: برای این گریه می­کنم که چیزی را از رسول الله ج شنیدم و می­فرمود: «إِنَّ يَسِيرَ الرِّيَاءِ شِرْكٌ وَإِنَّ مَنْ عَادَى لِلَّهِ وَلِيًّا فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ بِالْمُحَارَبَةِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الأَبْرَارَ الأَتْقِيَاءَ الأَخْفِيَاءَ الَّذِينَ إِذَا غَابُوا لَمْ يُفْتَقَدُوا وَإِنْ حَضَرُوا لَمْ يُدْعَوْا وَلَمْ يُعْرَفُوا؛ قُلُوبُهُمْ مَصَابِيحُ الْهُدَى يَخْرُجُونَ مِنْ كُلِّ غَبْرَاء مُظْلِمَةٍ»[[36]](#footnote-36). «کمترین ریا شرک است، و هرکس که با دوست الله دشمنی و عداوت نماید، در حقیقت با الله وارد جنگ شده است، الله نیکوکارانِ پرهیزکار و غیرخودنما را دوست می‌دارد، کسانی که وقتی غائب هستند، کسی سراغ شان را نمی‌گیرد و وقتی حاضر اند، دعوت نمی‌گردند، و کسی هم آن‌ها را نمی‌شناسد. و قلب‌های آن‌ها همانند چراغ‌های هدایت و رهنمایی است. و آن‌ها از هر بلایِ تاریکی خارج می‌شوند».

بنده­ی مؤمنی که فقیر است ولی عفاف دارد را دوست می‌دارد

از عمران بن حصین آمده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدَهُ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ الْمُتَعَفِّفَ أَبَا الْعِيَالِ»[[37]](#footnote-37). «الله بنده­اش که مؤمن بوده و فقیر و با عفاف و عیالوار است را دوست دارد».

دوست می‌دارد اگر عملی انجام شد، به کمال برسد

عایشهل آورده است که پیام­آور الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتْقِنَهُ»[[38]](#footnote-38). «الله دوست می‌دارد که اگر شما عملی انجام دادید، آن را به کمال برسانید».

عاصم بن کلیب از پدرش روایت می­کند: او همراه پدرش بسوی جنازه­ای رفتند که پیامبر ج آن را دیده بود و من کودکی عاقل بودم، پیامبر ج فرمود: «يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يُتْقِنَ». «الله عمل کننده­ای را دوست می‌دارد که عمل خود را به کمال برساند». طبرانی آن در الکبیر ذکر کرده است[[39]](#footnote-39).

دادخواهان و غمگینان را دوست می‌دارد

انسس گفته است که پیامبر ج فرمود: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ إِغَاثَةَ اللَّهْفَانِ»[[40]](#footnote-40). «راهنمایی کننده به کار خیر مانند انجام دهنده­ی آن است [ثواب انجام دهنده را می­برد بدون آن که از ثواب انجام دهنده ذره­ای کاسته شود] و الله فريادرسىِ دلسوختگان و درماندگان را دوست دارد».

قربانی‌نمودن را دوست می‌دارد

اسود بن هلال گفته است: با شترهایم به مدینه رسیدم، گفتم: وارد مسجد بشوم و وقتی داخل شدم دیدم عمر بن خطابس خطبه می­گفت و او می­گفت: ای اهل مدینه! حج کنید و قربانی نمایید، الله قربانی کردن را دوست می‌دارد، بسوی شترهایم برگشتم و دیدم هر مردی شتری را در آغوش گرفته است و عمرس آمده و به آن‌ها نگاه کرد و گفت: این شترهای مردی مهاجر است[[41]](#footnote-41).

احسان را دوست دارد

شداد بن اوس می­گوید: دو چیز را از رسول الله ج به خاطر سپردم، فرمود: «إِنَّ اللَّهَ مُحْسِنٌ يُحِبُّ الإِحْسَانَ إِلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَ، وَلْيُحِدَّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ، وَلْيُرِحْ ذَبِيحَتَهُ»[[42]](#footnote-42) «الله نیکوکار است و نیکوکاری به هر چیز را دوست می‌دارد، اگر کشتید به نیکوترین شکل بکشید و اگر ذبح نمودید به نیکوترین شکل ذبح کنید، چاقوی خود را تیز کنید و ذبیحه را راحت [بکشید]».

سه چیز را دوست دارد و نسبت به سه چیز بغض دارد

از ابوذرس آمده است که پیامبر ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَﻷ يُحِبُّ ثَلاَثَةً وَيُبْغِضُ ثَلاَثَةً يُبْغِضُ الشَّيْخَ الزَّانِىَ وَالْفَقِيرَ الْمُخْتَالَ وَالْمُكْثِرَ الْبَخِيلَ وَيُحِبُّ ثَلاَثَةً رَجُلٌ كَانَ فِى كَتِيبَةٍ فَكَرَّ يَحْمِيهِمْ حَتَّى قُتِلَ أَوْ يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَرَجُلٌ كَانَ فِى قَوْمٍ فَأَدْلَجُوا فَنَزَلُوا مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ وَكَانَ النَّوْمُ أَحَبَّ إِلَيْهِمْ مِمَّا يُعْدَلُ بِهِ فَنَامُوا وَقَامَ يَتْلُو آيَاتِى وَيَتَمَلَّقُنِى وَرَجُلٌ كَانَ فِى قَوْمٍ فَأَتَاهُمْ رَجُلٌ يَسْأَلُهُمْ بِقَرَابَةٍ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ فَبِخُلُوا عَنْهُ وَخَلَفَ بِأَعْقَابِهِمْ فَأَعْطَاهُ حَيْثُ لاَ يَرَاهُ إِلاَّ اللَّهُ وَمَنْ أَعْطَاهُ»[[43]](#footnote-43). «اللهﻷ سه نفر را دوست می‌دارد و نسبت به سه نفر بغض می­ورزد: نسبت به پیر زناکار، فقیر متکبر، و ثروتمند بخیل بغض دارد و سه چیز را دوست می‌دارد، مردی که در لشکری است و شجاعانه برای حمایت از [لشکر] حمله می­برد تا این که کشته شود و یا الله برایش گشایشی نماید و مردی که در بین قومی است که آخر شب بیرون رفته و خواب برایشان شیرین­تر از آن چیزی است که از آن عدول می­کنند و خوابیده و بیدار می­شوند و آیات مرا تلاوت می‌کنند و مرا مدح می­نمایند و مردی که بین قومی است و کسی نزد آن‌ها می­آید از آن‌ها به خاطر خویشاوندیی که با او دارند طلب می­­نماید و [آن قوم بخشش خود را] از وی دریغ می­دارند و او بدنبال وی رفته و به نحوی به وی عطا می­کند که هیچ کس، غیر از الله و عطا کننده آن را نمی‌بینند».

از مطرّف بن عبدالله بن شخّیر آمده است که از طرف ابوذرس به من حدیثی رسید و به همین جهت دوست داشتم تا او را ببینم و او را دیدم، به او گفتم: ای ابوذر! از تو حدیثی شنیدم و دوست داشتم تا تو را ببینم و از تو درباره­­ی آن سوال کنم. گفت: مرا دیدی، پس سوال خودت را بپرس! گفت: گفتم: به من رسیده است که تو گفتی که از پیامبر ج شنیده­ای: «ثَلاَثَةٌ يُحِبُّهُمُ اللَّهُﻷ وَثَلاَثَةٌ يُبْغِضُهُمُ اللَّهُ» «اللهﻷ سه نفر را دوست می‌دارد و اللهﻷ نسبت به سه نفر بغض می­ورزد». گفت: بله، چه چیزی باعث شود تا درباره­ی دوستم محمد ج دروغ بگویم، سه چیر را گفت. گفت: گفتم: آن سه دسته که اللهﻷ آنان را دوست دارد چه کسانی هستند؟ گفت: مردی که در راه الله جهاد می­کند و دشمن را دیده و مجاهد گونه و با حساب با آن‌ها می­جنگد تا کشته شود و شما در کتاب اللهﻷ می­بینید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِهِۦ صَفّٗا﴾ [الصف: 4]. و مردی که همسایه­اش را آزار می­دهد و آن همسایه در برابر آزارش صبر پیشه می­سازد و با حساب رفتار می­کند تا این که الله برایش مرگ و زندگی را کفایت ­کند و مردی که همراه قومی است که می‌روند تا این که نخوابیدن برایشان سنگین شده و در آخر شب اتراق می­کنند و آن مرد برمی­خیزد و وضوء گرفته و نماز می­خواند. گفت: گفتم: آن سه دسته که الله نسبت به آن‌ها بغض می­ورزد چه کسانی هستند؟ گفت: فخر کننده­ی پر مدعا و شما در کتاب اللهﻷ می­یابید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ﴾ [لقمان: 18]. ترجمه: «الله هر فخر فروش پرمدعا را دوست نمی‌دارد». و انسان بخیل منت گذارنده و تاجر و کاسب بسیار قسم خورنده. گفت: گفتم: ای ابوذر! مال چیست؟ گفت: قسمتی از آن برای ماست و برای حمایت ما یعنی گروهی از گوسفندان که راحت بدست می­آیند. گفت: گفتم: درباره­ی این نپرسیدم و فقط درباره­ی مال بی سرو صدا پرسیدم. گفت: صبح می­کنیم که شب نمی­شود و شب می­کنیم که صبح نمی­شود. گفت: گفتم: ای ابوذر! چه چیز بین تو برادرانت در قریش است؟ گفت: قسم به الله چیزی از دنیا از آنان نخواسته و چیزی درباره­ی دین الله تبارک و تعالی از آنان نمی­پرسم تا زمانی که الله و فرستاده­اش را ملاقات کنم، و سه بار این را گفت[[44]](#footnote-44).

چهار صحابیِ من را دوست دارد

از ابن بُریدة از پدرش آمده است که فرستاده­­ی الله فرمود: «إِنَّ اللَّهَﻷ يُحِبُّ مِنْ أَصْحَابِى أَرْبَعَةً أَخْبَرَنِى أَنَّهُ يُحِبُّهُمْ وَأَمَرَنِى أَنْ أُحِبَّهُمْ». «اللهﻷ چهار صحابی مرا دوست می‌دارد، به من خبر داده‌است که آنان را دوست می‌دارد و به من امر فرموده است تا آنان را دوست داشته باشم». گفتند: آن‌ها چه کسانی هستند ای رسول الله؟ فرمود: «إِنَّ عَلِيًّا مِنْهُمْ وَأَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِىُّ وَسَلْمَانُ الْفَارِسِىُّ وَالْمِقْدَادُ بْنُ الأَسْوَدِ الْكِنْدِىُّ»[[45]](#footnote-45). «علی از آن‌هاست و ابوذر غفاری و سلمان فارسی و مقداد بن اسود کندی».

عفو نمودن را دوست دارد

ابو ماجد تیمی گفته است: مردی نزد عبدالله آمد و ماجرایی را بیان نمود و شروع کرد به حدیث آوردن از فرستاده­ی الله ج، گفت: اولین مردی که از اسلام و یا از مسلمین خارج شد، مردی بود که نزد پیامبر ج آمد و گفته شد: ای رسول الله! این [مرد] دزدی کرده است. صورت رسول الله ج مانند اخگری آتش شد و بعضی از آن‌ها گفتند: ای رسول الله! درباره­ی تو چه می‌گوید، فرمود: «وَمَا يَمْنَعُنِى وَأَنْتُمْ أَعْوَانُ الشَّيْطَانِ عَلَى صَاحِبِكُمْ وَاللَّهُﻷ عَفُوٌّ يُحِبُّ الْعَفْوَ وَلاَ يَنْبَغِى لِوَالِى أَمْرٍ أَنْ يُؤْتَى بِحَدٍّ إِلاَّ أَقَامَهُ». «چه چیز مرا منع می­کند؟ و شما برای همنشینتان یاوران شیطان هستید، اللهﻷ عفو کننده است و عفو کردن را دوست می‌دارد و شایسته­ی ولی امر نیست که حدّی را به اجرا در آورد مگر آن که آن را برپا دارد». سپس قرائت فرمود: ﴿وَلۡيَعۡفُواْ وَلۡيَصۡفَحُوٓاْۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡۚ وَٱللَّهُ غَفُورٞ رَّحِيمٌ ٢٢﴾[[46]](#footnote-46). ترجمه: «و عفو کنند و ببخشند، آیا دوست ندارید الله شما را بیامرزد و الله بسیار آمرزنده و دائماً رحمت کننده است».

کرامت را دوست دارد

از سهل بن سعد آمده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ يُحِبُّ الْكَرَمَ، وَمَعَالِيَ الأَخْلاقِ، وَيُبْغِضُ سَفْسَافَهَا»[[47]](#footnote-47). «الله کریم است و کرامت و اخلاق والا را دوست می‌دارد، و نسبت به [اخلاق] بی­مقدار بغض می­ورزد».

با حیاء و با عفاف و بردبار را دوست می‌دارد

میمون بن ابو شبیب گفته است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيِيَّ الْعَفِيفَ الْحَلِيمَ، وَيُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبَذِيءَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ». «الله [شخص] با حیاء و با عفت و بردبار را دوست می‌دارد و نسبت به ناسزاگوی بددهن بدزبان و گدایی‌کننده‌ی قسم خورنده بغض دارد»[[48]](#footnote-48).

الله دوست دارد به چیزهایی که او اجازه داده‌است، عمل شود

ابن عمرب گفته است: فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُ أَنْ تُؤْتَى رُخَصُهُ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعْصِيَتُهُ»[[49]](#footnote-49). «الله دوست دارد که به چیزهایی که او اجازه داده‌است، عمل شود همانگونه که کراهت دارد که به نافرمانی‌اش عمل شود».

عمرو بن شرحبیل می­گوید: عبداللهس گفت: «إنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُقْبَلَ رُخَصُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ»[[50]](#footnote-50). «الله دوست می‌دارد که به چیزهایی که او اجازه داده‌است، عمل شود همان گونه که دوست دارد خواسته­هایش انجام شود».

عبد اللهس گفته است: «إنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخَصُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ»[[51]](#footnote-51). «الله دوست می‌دارد که به چیزهایی که او اجازه داده است، عمل شود همان گونه که دوست دارد، خواسته­هایش انجام شود».

ابن عمرب گفته است: «إنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى مَيَاسِرُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ»[[52]](#footnote-52). «الله دوست می‌دارد که به آسان گیری­هاش عمل شود همان‌گونه که دوست دارد، خواسته­هایش انجام پذیرد».

سفیان از پدرش آورده است: مرد سوارکاری را نزد عبدالرحمن ذکر نمودم، گفت: ابن عباسب گفته است: «إنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى مَيَاسِرُهُ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ»[[53]](#footnote-53). «الله دوست می‌دارد که به آسان گیری­هاش عمل شود همان‌گونه که دوست دارد، خواسته‌هایش انجام گیرد».

عامر بن شعبی گفته است: «إن الله يحب أن يعمل برخصه كما يحب أن يعمل بعزائمه»[[54]](#footnote-54). «الله دوست می‌دارد که به رخصت‌هایش عمل شود همان‌گونه که دوست دارد خواسته­هایش انجام پذیرد».

بخشنده است و بخشنده را دوست می‌دارد

از طلحه بن عبید الله بن کریز آمده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إنَّ اللَّهَ جَوَادٌ يُحِبُّ الْجَوَادَ، وَيُحِبُّ مَعَالِيَ الأَخْلاَقِ وَيَكْرَهُ سِفْسَافَهَا»[[55]](#footnote-55). «الله بخشنده است و بخشنده را دوست می‌دارد و همچنین اخلاق والا را نیز دوست دارد و از بی­مقداری آن کراهت می‌ورزد».

الله بنده­­ی مؤمن و آزمایش شده را دوست می‌دارد

از محمد بن حنفیة از پدرش آمده است که فرستاده­­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْمُفَتَّنَ التَّوَّابَ»[[56]](#footnote-56). «الله بنده­ی مؤمن و آزمایش شده و بسیار توبه کننده را دوست می‌دارد».

الله کسی را که با انجام واجبات و نوافل سعی می­کند به وی نزدیک شود را دوست می‌دارد

ابوهریرس آورده است که فرستاده­ی الله ج فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَالَ مَنْ عَادَى لِى وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَىَّ عَبْدِى بِشَىْءٍ أَحَبَّ إِلَىَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِى يَتَقَرَّبُ إِلَىَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِى يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِى يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِى يَبْطُشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِى يَمْشِى بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِى لأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنِ اسْتَعَاذَنِى لأُعِيذَنَّهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَىْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدُّدِى عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ»[[57]](#footnote-57). «الله می­فرماید: هرکس با دوستان من دشمنی کند، من با او اعلان جنگ می­کنم. بنده­ام، با هیچ چیز محبوبی نزد من، به اندازه­ی انجام آنچه بر او واجب کرده­ام، به من نزدیک نمی­شود و با نوافل به من نزدیک می­شود تا جایی که او را دوست می­دارم، وقتی او را دوست داشته باشم، گوش او می‌شوم تا با آن بشنود و چشمش می­شوم تا با آن ببیند و دستش می­شوم تا با آن بگیرد و پایش می­شوم تا با آن راه برود، اگر از من طلب کند به وی می­دهم و اگر پناه بخواهد او را پناه می­دهم. در هر کاری که می­خواهم انجام دهم، به اندازه­ی قبض روح مؤمنی که مرگ را نمی­پسندد و من نیز آزار او را نمی­پسندم، متردد نمی­شوم».

باب سوم:
کسانی که الله تعالی آنان را دوست نمی‌دارد، برگرفته از کتاب الله

متجاوزان از حد را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ١٩٠﴾ [البقرة:190]. ترجمه: «با کسانی که با شما وارد جنگ می­شوند بجنگید ولی از حق تجاوز نکنید، [زیرا] الله متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

ای مؤمنان! برای یاری دادن دین الله، با کسانی که با شما می­جنگند، بجنگید! و مرتکب مسائلی که از آن منع شده­اید، نگردید، مانند: مثله کردن و دزدیدن غنایم و کشتن کسی که به آن اجازه ندارید مثل زنان و بچه­ها و سالخوردگان و هرکس که حکم آنان درباره­ی او مصداق پیدا می­کند. الله متجاوزان از حدودش را دوست نمی‌دارد، کسانی که آنچه را که الله و فرستاده­اش، حرام کرده­اند را حلال می­کنند.

الله تعالى می­فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٨٧﴾ [المائدة: 87]. ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده­اید! آن `چیزهای پاکیزه را که الله برایتان حلال کرده است را حرام نکنید و تجاوز نکنید که الله متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

ای کسانی‌که ایمان آورده­اید! چیزهای پاکیزه را که الله بر شما حلال کرده است و شامل خوراکی­ها و نوشیدنی­ها و ازدواج با زنان می­شود را برای خودتان حرام نکنید، زیرا گشادگیی را که الله برای شما قرار داده‌است، تنگ می­کنید و از حدود آنچه الله حرام کرده­ است تجاوز نکنید، زیرا الله متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

ابن عباسب آورده است: مردی نزد پیامبر ج آمد و گفت: ای رسول الله! وقتی گوشت می­خورم بدنبال زنان افتاده و شهوتم بر من غلبه می­کند، به همین جهت گوشت را بر خودم حرام کردم، اللهﻷ نازل فرمود:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحَرِّمُواْ طَيِّبَٰتِ مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٨٧ وَكُلُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ حَلَٰلٗا طَيِّبٗا﴾[[58]](#footnote-58) [المائدة: 87-88]. ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده­اید! چیزهای پاکیزه­ای را که الله برای شما حلال کرده است را حرام نکنید و تجاوز نکنید، الله متجاوزان را دوست نمی‌دارد و از آنچه برای شما حلال و پاکیزه روزی داده­ام بخورید».

الله تعالى می­فرماید:

﴿ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ تَضَرُّعٗا وَخُفۡيَةًۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ٥٥﴾ [الأعراف: 55]. ترجمه: «پروردگارتان را فروتنانه و پنهانی بخوانید، او متجاوزان را دوست نمی‌دارد».

ای مؤمنان پروردگارتان را با خواری، پنهانی و آشکار بخوانید و دعای شما با خشوع همراه بوده و از ریا دور باشد. الله تعالی متجاوزان از مرزهای شریعتش را دوست نمی‌دارد و بزرگ‌ترین تجاوز، شرک به الله است، مانند: طلب نمودن از غیر الله، از مردگان و بت­ها و مانند آن.

فساد را دوست نمی‌دارد

 الله تعالى می­فرماید: ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُعۡجِبُكَ قَوۡلُهُۥ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيُشۡهِدُ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلۡبِهِۦ وَهُوَ أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ ٢٠٤ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ لِيُفۡسِدَ فِيهَا وَيُهۡلِكَ ٱلۡحَرۡثَ وَٱلنَّسۡلَۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَسَادَ ٢٠٥﴾ [البقرة: 204-205]. ترجمه: «و از انسآن‌ها کسی است که صحبت او درباره­ی زندگی دنیا تو را به تعجب می­­اندازد، [از شدت زهدش]، و الله را گواه می‌گیرد که آن را قلباً گفته است و [این در حالی است که] او شدیدترین دشمن است \* و وقتی قدرت یابد در زمین می­کوشد تا فساد بر قرار کند و کشاورزی و دامداری را هلاک گرداند و الله فساد را دوست نمی‌دارد».

ای پیامبر! بعضی از منافقین هستند که دارای کلامی فصیح بوده و با آن کلام انگیزه­ی خود را برای آخرت و دوری از دنیا بیان می­دارند و آن کلام تو را به تعجب می­اندازد و الله را گواه می­گیرند و قسم می­خورند که آنچه در قلب آن‌ها است، محبت اسلام است، در این کار خود، به نهایت جرأت خود در برابر الله می­رسند [و آن منافق بودن است] و این در حالی است که آن‌ها شدیدترین دشمنی را با اسلام و مسلمانان دارند.

ای رسول! وقتی از نزد تو می­روند، با کمال جدیدت سعی می­کنند تا در زمین فساد کنند و کشاورزی مردم را تلف کرده و دامهایشان را بکشند و الله فساد را دوست نمی‌دارد.

تمامی افرادی که بسیار کافر و بسیار گناه کار هستند را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ وَيُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ٢٧٦﴾ [البقرة: 276]. ترجمه: «الله ربا را تباه ساخته و صدقه­ها را افزایش می­دهد و الله تمامی کسانی که زیاد کفر می­ورزند و بسیار گناه می­کنند را دوست نمی‌دارد».

الله تمامی مال ربا را هلاک می­گرداند و یا بر صاحب آن بی­برکتی در مال را مقرر می‌فرماید و از آن سود برده نمی­شود، مالی که از آن صدقه داده شده است را نمو داده و آن را زیاد می­کند و اجر صدقه دهندگان را ازدیاد می­بخشد و در اموال آن‌ها برکت قرار می­دهد، الله تمامی کسانی را که در کفرشان اصرار ورزیده و خوردن ربا را حلال کرده و دائماً در گناه و حرام و معصیت الله هستند را دوست نمی‌دارد.

کافران را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿قُلۡ أَطِيعُواْ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَۖ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ٣٢﴾ [آل عمران: 32]. ترجمه: «بگو از الله و فرستاده­[اش] اطاعت کنید و اگر روی برگردانید، الله کافران را دوست نمی‌دارد».

ای رسول! بگو: با تبعیت از کتاب الله از وی اطاعت کنید و با تبعیت از سنت، از پیامبرش اطاعت کنید، چه در حالی که او زنده باشد و چه در وقتی که او فوت نموده باشد، اگر آنان از تو روی برگردانند و بر کفر و گمراهی­شان اصرار ورزند، از کسانی نیستند که محبت الله در دل آن‌ها است، الله کافران را دوست نمی‌دارد.

ستمکاران را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَيُوَفِّيهِمۡ أُجُورَهُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥٧﴾ [آل عمران: 57]. ترجمه: «و اما کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، اجرشان را به آن‌ها برمی­گردانیم والله ستمکاران را دوست نمی‌دارد».

کسانی که به الله و فرستادگانش ایمان آورده و عمل صالح انجام داده­اند، الله پاداش آنان را کامل و بدون کاستی به آن‌ها بر می­گرداند و الله ستمکاران با شرک و کفر را دوست نمی‌دارد.

الله تعالی می­فرماید: ﴿إِن يَمۡسَسۡكُمۡ قَرۡحٞ فَقَدۡ مَسَّ ٱلۡقَوۡمَ قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ وَتِلۡكَ ٱلۡأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيۡنَ ٱلنَّاسِ وَلِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَيَتَّخِذَ مِنكُمۡ شُهَدَآءَۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ١٤٠﴾ [آل عمران: 140]. ترجمه: «اگر زخمی به شما رسیده باشد به آن قوم نیز زخمی مانند آن رسیده است، این روزها را بین مردم دست به دست می­کنیم تا کسانی که ایمان آورده‌اند مشخص گردند و [الله] از بین شما گواهانی بگیرد و الله ستمکاران را دوست نمی‌دارد».

ای مؤمنان! اگر جراحت و کشته شدگانی در غزوه­ی أُحد به شما رسید و شما را غمگین ساخت، به طور یقین به مشرکان جراحت و کشته شدگانی در غزو­ه­ی بدر رسید، این روزگاری است که الله بین مردم آن را دست به دست می­کند و گاهی آن‌ها را پیروز می­گرداند و گاهی به شکست آن‌ها را وادار می­کند، اما در آن حکمتی وجود دارد و آن این است که علم خود را که از ازل آن را می­داند، آشکار نموده و مؤمن راستگو را از غیر راستگو جدا می‌کند و به افرادی از شما با شهید شدن کرامت می­بخشد. الله، کسانی را که به خودشان ظلم نموده و در جهاد در راه او، شریک نمی­شوند را دوست نمی‌دارد.

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَجَزَٰٓؤُاْ سَيِّئَةٖ سَيِّئَةٞ مِّثۡلُهَاۖ فَمَنۡ عَفَا وَأَصۡلَحَ فَأَجۡرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ٤٠﴾ [الشوری:40]. ترجمه: «و جزای بدی، بدیی به مانند آن است و هرکس گذشت کند و صلح کردن را برگزیند، اجرش نزد الله است، او ستمکاران را دوست ندارد».

جزای بدی برای بدی کننده، درست مثل آن است و هرگز زیادتر از آن نمی­شود، کسی که از بدی کننده در گذرد و جزای او را ببخشد و بین خودش و شخص بخشیده شده برای رضای الله، صلح بر قرار کند، اجر بخشش را نزد الله می­یابد. الله ستمکاران را دوست نمی‌دارد، کسانی که با مردم دشمنی درست می­کنند و به آن‌ها بدی می­کنند.

کسی‌که فخر فروش بوده و پر ادعا باشد را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَلَا تُشۡرِكُواْ بِهِۦ شَيۡ‍ٔٗاۖ وَبِٱلۡوَٰلِدَيۡنِ إِحۡسَٰنٗا وَبِذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡيَتَٰمَىٰ وَٱلۡمَسَٰكِينِ وَٱلۡجَارِ ذِي ٱلۡقُرۡبَىٰ وَٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ وَٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخۡتَالٗا فَخُورًا ٣٦﴾ [النساء: 36]. ترجمه: «و الله را عبادت کنید و ذره­ای به وی شرک نورزید و به پدر و مادر، نزدیکان، یتیمان، فقیران، همسایه­­ی خویشاوند، همسایه­ی غریبه، همراه [در سفر] و در راه مانده و ملک یمینتان نیکی کنید، الله کسی را که فخر فروش بوده و پر مدعا باشد را دوست نمی‌دارد».

الله را عبادت کنید و بر فرمان او گردن نهید و برای او شریکی در ربوبیت و عبادت قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و حقوق آن‌ها را ادا کنید و همچنین حقوقِ خویشاوندان، یتیمان، نیازمندان، همسایه­ی نزدیک و دور، کسی که چه در سفر و چه در اقامت با او همراه هستید، مسافر محتاج و ملک یمینتان چه دختر باشند و چه پسر را ادا کنید. الله تعالی کسانی که از عبادتش تکبر ورزیده و بین مردم فخر فروشی می­کنند را دوست نمی‌دارد.

الله تعالى می­فرماید: ﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٢٢ لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ٢٣﴾ [الحديد: 22-23]. ترجمه: «هیچ مصیبتی نیست که در زمین و یا درونتان به وقوع نمی­پیوندد مگر آن که قبل از آن که آن را پدید آوریم در کتابی نوشته شده است، این برای الله آسان است \* تا آنچه را که از دست داده­اید به خاطر آن اندوهگین نشوید و به آنچه که [الله] به شما می­دهد شاد نگردید و الله هیچ پرمدعای فخر فروشی را دوست نمی‌دارد».

ای انسآن‌ها! آنچه از مصیبت که به شما می­­رسد، چه در زمین و چه در جآن‌هایتان از امراض گرفته تا گرسنگی و بیماری، تمامی آن‌ها قبل از آن که خلق شوید، در لوح محفوظ نوشته شده است و این کار برای الله آسان است.

تا این که آنچه را از دنیا از دست داده­اید شما را غمگین نکند و به آنچه که به شما عطا شده است مغرورانه و شرورانه خوشحال نگردید. الله تمامی متکبرانِ فخر فروش را به واسطه آنچه از دنیا به آن‌ها داده شده است را دوست نمی‌دارد. آن متکبران کسانی هستند که مال خود را محکم چسبیده­اند و آن را در راه الله انفاق نمی­کنند و مردم را نیز به انفاق نکردن امر می­کنند. کسی که از اطاعت الله روی بگرداند به کسی ضرر نمی‌رساند، مگر خودش و هرگز نمی­تواند به الله ضرر برساند، به یقین الله از آفریدگانش بی­­نیاز است، ستوده­ای است که تمام اوصاف کامل و اعمال زیبا را که مستحق ستایش است را یکجا به نیکی دارد.

خیانتکاران بسیار گناهکار را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَلَا تُجَٰدِلۡ عَنِ ٱلَّذِينَ يَخۡتَانُونَ أَنفُسَهُمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمٗا ١٠٧﴾ [النساء: 107]. ترجمه: «و از کسانی که به خود خیانت می­کنند دفاع نکن، الله خیانتکارانِ گناه پیشه را دوست نمی‌دارد».

از کسانی با گناه کردن به خود خیانت می­کنند دفاع نکن. الله سبحانه هرکسی را که خیانت کار بزرگی بوده و گناهانش زیاد باشد را دوست نمی‌دارد.

الله آشکارا بدگویی کردن را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿لَّا يُحِبُّ ٱللَّهُ ٱلۡجَهۡرَ بِٱلسُّوٓءِ مِنَ ٱلۡقَوۡلِ إِلَّا مَن ظُلِمَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ١٤٨﴾ [النساء: 148]. ترجمه: «الله، آشکارا بدگویی کردن را دوست نمی‌دارد، مگر برای کسی که به او ظلم شده است».

الله بدگویی کردن توسط شخصی از کسی را دوست نمی‌دارد، ولی برای مظلوم مباح کرده است که از ظالم خود بدگویی کند تا ظلمش آشکار گردد، الله آنچه را که آشکار می­کنند، می­شنود و آنچه را که مخفی می­دارند، می‌داند.

فسادکنندگان را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَقَالَتِ ٱلۡيَهُودُ يَدُ ٱللَّهِ مَغۡلُولَةٌۚ غُلَّتۡ أَيۡدِيهِمۡ وَلُعِنُواْ بِمَا قَالُواْۘ بَلۡ يَدَاهُ مَبۡسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيۡفَ يَشَآءُۚ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُم مَّآ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ طُغۡيَٰنٗا وَكُفۡرٗاۚ وَأَلۡقَيۡنَا بَيۡنَهُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ كُلَّمَآ أَوۡقَدُواْ نَارٗا لِّلۡحَرۡبِ أَطۡفَأَهَا ٱللَّهُۚ وَيَسۡعَوۡنَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَسَادٗاۚ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٦٤﴾ [المائدة: 64]. ترجمه: «و یهودیان می­گویند: دست الله بسته است. دستهای خودشان بسته باد و به سبب آنچه می‌گویند، لعنت بر آن‌ها باد! بلکه دو دست [الله] باز است و هر طور که بخواهد، انفاق می­کند، آنچه الله بر تو نازل فرموده است، قطعاً بر طغیان و کفر بسیاری از آن‌ها می­افزاید. در بین آن‌ها تا روز قیامت دشمنی و کینه توزی قرار داده­ایم. هرگاه آتشی برای جنگ افروختند، الله آن را خاموش گرداند. و در زمین برای فساد کردن، تلاش می­کنند و الله فساد کنندگان را دوست نمی‌دارد».

الله پیامبرش را از گناهان یهود مطلع می­گرداند و این در حالی است که آنان آن را می­پوشاندند، آن‌ها می­گفتند: دست الله برای افعال خیر، بسته است و برای رزق دادن و توسعه­ی آن بخل می­ورزد و این زمانی بود که قحطی و خشکسالی به سراغ آن‌ها آمده بود. دستهای آن‌ها بسته باد: به این معنی که دست‌های آنان از انجام کارهای خیر بسته شود. الله آنان را بسبب این سخنشان طرد فرمود. امر آن گونه که آن‌ها به الله افتراء می‌بندند، نیست، بلکه دو دست او باز بوده و ممنوعیتی برای آن وجود ندارد و چیزی او را از انفاق ممانعت نمی­کند و او بخشند­ی کریم است و بر اساس مقتضای حکمتش و مصلحت بندگانش انفاق می­کند. در این آیه به اثبات می­رسد که الله سبحانه و تعالی دو دست دارد و شایسته آن می­باشد که به دست موجود دیگری تشبیه نگردد و کیفیت آن نیز بیان نشود، [بلکه دست، دست خدایی است با دستهای دیگر قابل مقایسه و تشبیه نمی­باشد]. آن‌ها به سبب حسودی و بخلشان که چرا پیامبر ج از قوم آن‌ها انتخاب نشده است، بر اثر این آیات بر طغیان و کفرشان افسرده می­شود، الله تعالی خبر می­دهد که طوایف یهود تا روز قیامت بعضی از آن‌ها با بعضی دیگر دشمنی می­کنند و عده­ای از آن‌ها از عده­ای دیگر تنفر دارند، هر مکری که برای مسلمانان به کار می­برند تا آن‌ها را دچار فتنه کنند و یا آتش جنگی را شعله­ور کنند، الله، مکر آنان را به خود آن‌ها بر می­گرداند و وحدت آنان را به جدایی می­کشاند، این تا وقتی است که یهودیان به معصیت الله گرفتار هستند و در نتیجه­ی آن در زمین فساد برپا می­کنند و زمین را به آشوب و بلوا می­کشانند. الله فساد کنندگان را دوست نمی‌دارد.

الله تعالى می­فرماید:

﴿وَٱبۡتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَاۖ وَأَحۡسِن كَمَآ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ وَلَا تَبۡغِ ٱلۡفَسَادَ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٧٧﴾ [القصص: 77]. ترجمه: «و در آنچه الله به تو داده‌است، سرای آخرت را بجوی و بهره­ی خودت از دنیا را فراموش نکن و همان‌گونه که الله با تو نیکی کرده است، با دیگران نیکی کن و در زمین در پی فساد نباش که الله فساد کاران را دوست ندارد».

در آنچه الله از اموال به تو داده است، ثواب سرزمین آخرت را برای خودت طلب کن و با عمل به آن، در اطاعت الله در دنیا این امر را محقق کن، بهره­ات در دنیا را ترک نکن به شکلی که از نعمت حلال بدون اسراف کردن استفاده کنی و به مردم با صدقه دادن نیکی کن! همانگونه که الله با دادن مال زیاد به تو نیکی فرمود، با بدی کردن به قومت آنچه را که الله بر تو حرام کرده است طلب نکن، الله فساد کنندگان را دوست نمی‌دارد.

اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَهُوَ ٱلَّذِيٓ أَنشَأَ جَنَّٰتٖ مَّعۡرُوشَٰتٖ وَغَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ وَٱلنَّخۡلَ وَٱلزَّرۡعَ مُخۡتَلِفًا أُكُلُهُۥ وَٱلزَّيۡتُونَ وَٱلرُّمَّانَ مُتَشَٰبِهٗا وَغَيۡرَ مُتَشَٰبِهٖۚ كُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦٓ إِذَآ أَثۡمَرَ وَءَاتُواْ حَقَّهُۥ يَوۡمَ حَصَادِهِۦۖ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ١٤١﴾ [الأنعام: 141]. ترجمه: «و او کسی است که باغ‌هایی را بر داربست هستند و یا بدون داربست هستند را آفریده است و درختان خرما و کشتزارها را که [میوه­های] در خوردن با یکدیگر فرق می­کنند و زیتون و انار را آفریده است که همگون و غیر همگون هستند. وقتی میوه می­دهند از میوه­های آن بخورید و روز برداشت حق آن را [که زکات است به فقرا] بدهید و اسراف نکنید که الله اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد».

الله سبحانه و تعالی برای شما دو گونه باغ را قرار داده است: از آن‌ها باغ‌هایی هستند که بر داربست آویزان شده مانند: انگور و از آن‌ها باغ‌هایی هستند که بر داربست آویزان نشده­اند، و بر پایه­ی خود محکم شده­اند، مثل: درخت خرما و کشتزار، طعم آن‌ها متنوع بوده و زیتون و انار که از نظر ظاهری شبیه هم هستند ولی میوه و طعام آن یکی نیست. ای انسآن‌ها! هرگاه میوه دادند از میوه­ی آن بخورید و روز برداشت محصول زکاتی را که بر شما واجب شده است پرداخت نمایید! از حدود معتدل آن در جدا کردن مال و خوردن چیزی و غیر آن، تجاوز ننمایید. به یقین الله تعالی متجاوزان از مرزهایش را دوست ندارد، کسانی که مال را در غیر قانونی که برای آن در نظر گرفته شده است، انفاق می­کنند.

الله تعالى می­فرماید: ­﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ ٣١﴾ [الأعراف: 31]. ترجمه: «ای فرزندان آدم! هنگام نماز خواندن خودتان را بپوشانید و بیارایید و بخورید و بیاشامید و[لی] اسراف نکنید [که] الله اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد».

ای فرزندان آدم! هنگام برپا داشتن نماز، عریانی­هایتان را، با لباس‌های زیبا و مشروع و تمیز و پاکیزه و چیزهایی مانند آن، بپوشانید. از چیزهای پاکی که الله به شما روزی داده‌است بخورید و بیاشامید و از اعتدال در آن تجاوز نکنید. الله متجاوزان و اسراف کنندگان در خوراک و آشامیدنی و مانند آن را، دوست نمی‌دارد.

خیانت کاران را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید: ﴿وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوۡمٍ خِيَانَةٗ فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ عَلَىٰ سَوَآءٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡخَآئِنِينَ ٥٨﴾ [الأنفال: 58]. ترجمه: «و هرگاه از خیانت قومی ترسیدی، همچون آن‌ها، پیمانشان را به خودشان برگردان و آن را لغو کن [بطوری که همه در آگاهی از نقض عهد] یکسان شوند، الله خیانت­کاران را دوست نمی‌دارد».

ای رسول! اگر از خیانت قومی ترسیدی و تندی آن‌ها بر تو آشکار گشت، عهدشان را به خودشان برگردان، بطوری که هر دو طرف در آگاهی از تمام شدن پیمان یکسان باشند بطوری که دیگر برای آن‌ها عهدی نخواهد بود. الله خیانت کاران در پیمان و نقض کنندگان عهد و میثاق را دوست نمی‌دارد.

از سلمانس آمده است که او به قلعه و یا شهری رسید و به یارانش گفت: بگذارید تا دعوتشان دهم، همان گونه که دیدم رسول الله ج آنان را دعوت می­داد و گفت: من مردی از شما بودم تا این که الله مرا به اسلام مشرف نفرمود، اگر اسلام بیاورید آنچه برای ماست برای شما نیز خواهد بود و بر شما واجب است، آنچه برای ما واجب است، اگر سرباز زنید باید جزیه بدهید و خوار شوید و اگر روی بگردانید پیمانتان را به خودتان بر می­گردانیم و تا در این امر با شما یکسان شویم، الله خیانت کاران را دوست نمی‌دارد، این امر را سه روز انجام می­فرمود و روز چهارم مردم بسوی آن‌ها حمله می­نمودند و آنجا را فتح می­کردند[[59]](#footnote-59).

مستکبران را دوست نمی‌دارد

الله تعالى می­فرماید:

﴿إِلَٰهُكُمۡ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞۚ فَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ قُلُوبُهُم مُّنكِرَةٞ وَهُم مُّسۡتَكۡبِرُونَ ٢٢ لَا جَرَمَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعۡلِنُونَۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡتَكۡبِرِينَ ٢٣﴾ [النحل: 22-23] ترجمه: «معبود شما معبودی یگانه است؛ پس کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، دل‌هایشان [حق را] انکار می کند، و آنان مستکبرند. \* بدون شک الله آنچه را که پنهان می‌دارند و آنچه را که آشکار می­کنند، می­داند، او مستکبران را دوست نمی‌دارد!».

1. - با توجه به حدیث جبرئیل÷، درجه احسان بالاتر از درجه­ی ایمان است و آن حالتی است که بنده به طوری الله را عبادت که کند که گویی او را می­بیند. (مترجم) [↑](#footnote-ref-1)
2. - صحيح البخارى برقم (3009 ). [↑](#footnote-ref-2)
3. - شتر قرمز در آن زمان نشان ثروتمندی بوده و به مانند خودروهای گران قیمت امروزی بود. (مترجم) [↑](#footnote-ref-3)
4. - صحيح البخارى: برقم 3209. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحيح البخارى: برقم 6024. [↑](#footnote-ref-5)
6. - سنن أبى داود: برقم 4809، صحيح. [↑](#footnote-ref-6)
7. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 7 / ص 100، برقم 7350، صحيح. [↑](#footnote-ref-7)
8. - به معنی قرآن است و به معنی مطلبی است که الفاظ آن اندک بوده و دارای معانی زياد باشد. (مترجم) [↑](#footnote-ref-8)
9. - المعجم الكبير للطبراني: ج 8، ص 378، برقم 9799، فيه أ بوعبيدة بن عبد الله لم يسمع من أبيه ولكنه كان من أعلم الناس بحديث أبيه أخذه عن أمه وعن أصحاب أبيه انظر التهذيب: 3495، فالحديث حسن. [↑](#footnote-ref-9)
10. - مسند الشهاب القضاعي برقم (1008، والشعب: 8055-8056، مرسلاً وموصولاً الـمرسل أصح. [↑](#footnote-ref-10)
11. - التوبة لابن أبي الدنيا برقم: 177، والإتحاف: 8/506 والـمقاصد الحسنة للسخاوي: ج 1، ص 190، برقم 241، حسن لغيره. [↑](#footnote-ref-11)
12. - الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع للخطيب البغدادي برقم: 204، والشعب: 6175-6176، والترغيب: 3/108 والإتحاف: 9/352 وفيه انقطاع. [↑](#footnote-ref-12)
13. - صحيح البخارى برقم: 6223. [↑](#footnote-ref-13)
14. - سنن الدارقطنى: 3/42 برقم 3007، ود 3544، ون 6/262 وبنحوه خ 3/206 وم الهبات 13، حسن لغيره. [↑](#footnote-ref-14)
15. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 14 / ص 81، برقم 15778، والشعب 5315، والصحيحة 1113، وصحيح الجامع: 1891، وطب 19/200 صحيح لغيره. [↑](#footnote-ref-15)
16. - فرق معنی کلمه حمد با شکر اين است که حمد تنها به زبان و دل است ولی شکر، برای تشکر عملی را نيز دربر می­گيرد. [↑](#footnote-ref-16)
17. - مسند أحمد: برقم 15991، صحيح. [↑](#footnote-ref-17)
18. - مسند أحمد: برقم 15995، حسن.

 شیخ آلبانی/ می‌گوید که این حدیث با این داستان ضعیف است؛ اما بصورت مختصر، با این الفاظ حسن است: «عن الأسود بن سريعس قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي مَدَحْتُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِمَحَامِدَ قَالَ: (أَمَا إِنَّ رَبَّكَ يُحِبُّ الْحَمْدَ) ولم يزده على ذلك». نگا: الأدب المفرد للإمام البخاري، حدیث (859). [مُصحح] [↑](#footnote-ref-18)
19. - وتر به معنی اعداد فرد از هر چیز است،1 و 3 و5 و ... .(مترجم) [↑](#footnote-ref-19)
20. - صحيح البخارى: برقم 6410. [↑](#footnote-ref-20)
21. - سنن الترمذى: برقم 455، حديث حسن. [↑](#footnote-ref-21)
22. - صحيح مسلم: برقم 275. [↑](#footnote-ref-22)
23. - صحيح مسلم: برقم 7621 . [↑](#footnote-ref-23)
24. - سنن أبى داود: برقم 2661، حسن. [↑](#footnote-ref-24)
25. - سنن أبى داود: برقم 4014، صحيح. [↑](#footnote-ref-25)
26. - سنن أبى داود برقم: 5194، حسن. [↑](#footnote-ref-26)
27. - سنن الترمذى: برقم 1368، والـمستدرك للحاكم: برقم (2338، والصحيحة: 889؛ و ترغيب: 2/563 و صحيح الجامع: 1888 صحيح. [↑](#footnote-ref-27)
28. - المستدرك للحاكم: برقم 7884 و شعب الإيمان للبيهقي: برقم 904.

 روى بإسنادين في الشعب الثانى منها رجاله رجال الصحيح وقال عنه فى الشعب : وهذا إسناد أصح 1 هـ لكن فيه ضمرة بن حبيب هل سمع من أبى الدرداء علماً أنه مات سنة 130 هـ حسب ما ذكر ابن حبان وأبو الدرداء مات سنة 32 هـ وقال الحافظ فى التهذيب: روى عن شداد بن أوس وأبى أمامة الباهلى وعوف بن مالك وعبد الرحمن بن عمرو السلمى - وغيرهم وهو ثقة باتفاق، وذكر له البخارى أثراً من روايته عن أبى الدرداء - ووصله ابن الـمبارك - عن ضمرة بن حبيب عن أبى الدرداء التهذيب 4/459 - 460 ولم يذكروا عنه أنه أرسل عن أحد من الصحابة علماً أن من الرواة عن ضمرة هلال بن يساف وقد أدرك كثيراً من الصحابة الحسن بن على وما بعده ومات قبل ضمرة بكثير

 فما الـمانع أن يكون ضمرة من الـمعمرين وقد سمع من أبى الدرداء فى الشام ؟! طالـما أنه لم يتهم بتدليس أو إرسال فالحديث عندى حسن.

 ولم يطلع الألبانى على الطريق الثانى: معاوية بن صالح عن ضمرة ومن ثم فقد حكم على الحديث بالضعف الشديد فى ضعيفته 483 وضعفه فقط فى ضعيف الجامع 1723!!. [↑](#footnote-ref-28)
29. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 3 ، ص 214، برقم 2826، والشهاب: 1077، و صحيح الجامع: 1890، والإتحاف 8/174 والصحيحة: 1378، صحيح. [↑](#footnote-ref-29)
30. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 5 / ص 150، برقم 4987، حسن لغيره. [↑](#footnote-ref-30)
31. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 10، ص 447، برقم 13022، وإصلاح الـمال: ج 1، ص 211، برقم 205، عن أبي سعيد حسن لغيره. [↑](#footnote-ref-31)
32. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 15، ص 13، برقم 16625، وتعظيم قدر الصلاة لمحمد بن نصر المروزي برقم 211، وفيه انقطاع. [↑](#footnote-ref-32)
33. - سنن الترمذى: 3029 ،حسن لغيره وجامع الأصول: 4/766، وحسنه وبنحوه الدولابى: 2/16 والإتحاف: 2/311 وعدى: 5/292. [↑](#footnote-ref-33)
34. - سنن الترمذى: برقم 3051، صحيح. [↑](#footnote-ref-34)
35. - مسند احمد برقم 6879، صحيح. [↑](#footnote-ref-35)
36. - سنن ابن ماجه: برقم 4124، حسن لغيره. [↑](#footnote-ref-36)
37. - سنن ابن ماجه: برقم 4260، ضعيف. [↑](#footnote-ref-37)
38. - مجمع: 4/98 والصحيحة: 1113، ومطالب: 1275، والشعب: 5312-5314، وصحيح الجامع: 1880، صحيح لغيره. [↑](#footnote-ref-38)
39. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 14، ص 81، برقم: 15778 وفيه ضعف. [↑](#footnote-ref-39)
40. - مسند البزار: 1-14، ج 7، ص 208، برقم 7521، والحوائج: 27-28، والفيض: 1863، حسن. [↑](#footnote-ref-40)
41. - مصنف عبد الرزاق مشكل: ج 4، ص 108، برقم 8165 ، حسن موقوف. [↑](#footnote-ref-41)
42. - مصنف عبد الرزاق مشكل: ج 4، ص 180، برقم 8604، و مسلم: برقم 5167 بلفظ مقارب صحيح. [↑](#footnote-ref-42)
43. - مسند أحمد: برقم 21964 صحيح. [↑](#footnote-ref-43)
44. - مسند احمد: برقم 22151، صحيح. [↑](#footnote-ref-44)
45. - مسند احمد: برقم 23670 حسن.

 اما شیخ آلبانی و شیخ شعیب ارنؤوط - محقق مسند احمد- آن را ضعیف گفته اند. نگا: سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة، آلبانی، ح(2171)، و مسند احمد، ح(22968) تحقیق: شعیب ارنؤوط. [مُصحح] [↑](#footnote-ref-45)
46. - مسند احمد: برقم 4057 حسن لغيره. [↑](#footnote-ref-46)
47. - الـمستدرك للحاكم: برقم 152، ومصنف عبد الرزاق مشكل: ج 8، ص 435، برقم 20151، والسنن الكبرى للبيهقي وفي ذيله الجوهر النقي: ج 10، ص 191، برقم 21300، صحيح. [↑](#footnote-ref-47)
48. - مصنف ابن أبي شيبه مرقم ومشكل: ج 9، ص 81، برقم 25336، صحيح لغيره. [↑](#footnote-ref-48)
49. - مسند احمد: برقم 6004، صحيح. [↑](#footnote-ref-49)
50. - مصنف ابن أبي شيبة مرقم و مشكل: ج 9 ، ص 278، برقم 26463، صحيح. [↑](#footnote-ref-50)
51. - نفسه برقم: 26464، صحيح.. [↑](#footnote-ref-51)
52. - نفسه برقم: 26465، صحيح. [↑](#footnote-ref-52)
53. - نفسه برقم: 26466، صحيح. [↑](#footnote-ref-53)
54. - مصنف عبد الرزاق مشكل: ج 9، ص 27، برقم 20570، صحيح مقطوع. [↑](#footnote-ref-54)
55. - مصنف ابن أبي شيبة مرقم ومشكل: ج 9، ص 309، برقم 26609، صحيح مرسل. [↑](#footnote-ref-55)
56. - حم: 1/80 و 103 615، ووالدولابى: 2/62 والفضائل: 1191، والحلية: 3/178-179 وبنحوه الشعب: 7120-7121 و 7122، مرفوعاً وموقوفاً والإتحاف: 8/595 حسن لغيره.

 وقد وهم الألبانى فحكم بوضعه في ضعيفته ( 96) وخلط خلطاً عجيباً فِى ترجمة أبى عمرو البجلى وقارنه بالتعجيل بالتعجيل (1358) ثم احكم بنفسك ، وفاته أن له طريقا آخر. [↑](#footnote-ref-56)
57. - صحيح البخارى: برقم 6502، 8/131 وهق 3/346 و10/219 والإتحاف: 10/403 وصحيحة: 1640، وسنة: 5/19 وفتح: 11/340-341 وتلخيص: 3/117 وصفة: 491 وصحيح الجامع: 1782، والإحسان: 347، و هـ 3989، صحيح.

 ومن أوهام الألبانى/ أنه قال فى هامش صحيح الجامع ( 1782): كنت برهة من الزمن متوقفا فى صحة هذا الحديث، ثم تتبعت طرقه، فتبين لي أنه صحيح بمجموعها، وقد صححه جمع. اهـ

 وهذا يدل على تسرعه في الحكم على الأحاديث، وعلى عدم اعتداده بأقوال أهل العلم السابقين واعتباره صحيح البخارى كغيره من كتب السنة.

 وكانت حجته فى التوقف فى صحة هذا الحديث أن أحد رواته خالد بن مخلد قيل فيه: إنه صاحب مناكير وقال الذهبى: هذا حديث غريب جداً لولا هيبة الجامع الصحيح لعدوه من منكرات خالد بن مخلد وذلك لغرابة لفظه – الـميزان 1/640.

 أقول : هذا الكلام مردود على الذهبى/ فليس هذا الحديث غريبا كما زعم!!.

 وخالد بن مخلد إذا كان له مناكير لا يعني أن يكون هذا الحديث منها أصلا، لأن الإمام البخارى روى له ما لم ينكر عليه، وقد ذكر ابن عدى في ترجمته ما أنكر عليه ولم يذكر هذا الحديث وقال: قد اعتبرت حديثه ما روى عنه من الكوفيين محمد بن عثمان بن كرامة ، ومن الغرباء أحمد بن سعيد الدارمى وعندى من حديثهما صدر صالح، ولم أجد فى كتبه أنكر مما ذكرته ، فلعله توهما منه أو حملا على الحفظ وهو عندى إن شاء الله لا بأس به اهـ 3/36.

 وقد حدث عن خالد كبار أهل العلم منهم البخارى ومسلم وابن أبى شيبة وأبو داود فى مسند مالك والترمذى والنسائى وابن ماجه وراجع التهذيب 3/116-118 فهو ثقة له أفراد.

 وقد اعتمد حديث الولي وقواه شيخ الإسلام ابن تيمية/ في كتابه القيم الفرقان بين أولياء الرحمن وأولياء الشيطان، وأفرده العلامة الشوكاني بكتاب ضخم تخريجاً وشرحاً فى كتابه القطر الجلى شرح حديث الولى.

 ورد كلام الذهبى وناقشه الحافظ ابن حجر فى الفتح 11/340-341.

 فمن أسباب رد الحديث عدم فهمه، والذي لا يكون متعمقا في أصول الفقه وأصول تفسير النصوص يقع فى مثل هذه الأخطاء الجسيمة ، بحجة أنها ليست موافقة لفهمه القاصر!!. [↑](#footnote-ref-57)
58. - الـمعجم الكبير للطبراني: ج 10، ص 44، برقم 11812، وفيه لين. [↑](#footnote-ref-58)
59. - مسند احمد: برقم 24447، وفيه انقطاع. [↑](#footnote-ref-59)